

گاتا

یا

سرودهای آسمانی زرتشت

برگردان به فارسی روان

تقلم : موبد فیروز اذکشتب

مهرماه یکم آرزو رسید و هفت بگری شمی

نخط : علاءعلی عطارچیان

حق چاپ محفوظ و مخصوص نویسنده است

با سرمایه دانش‌گستر
بنامگانه خدایار جهانبخش مزدیسنا
از سوی انتشارات فروهر به چاپ رسید

اوستا. یسنا. گاهان. فارسی
گاتها، یا سرودهای آسمانی زرتشت / برگردان به فارسی روان به قلم فیروز آذرگنیشب؛ بخط
غلامعلی عطارچیان. - [تهران]: فروهر ۱۳۷۸.
ص. ۱۰۸

ISBN 964-6320-07-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
چاپ دوم.

۱. اوستا. یسنا. گاهان. فارسی. ۲. شعر اوستایی - ترجمه شده به فارسی. الف. آذرگنیشب فیروز،
مترجم. ب. عطارچیان، غلامعلی، خطاط. ج. عنوان: سرودهای آسمانی زرتشت.
PIR۴۷۳
۲۹۵/۸۲
کتابخانه ملی ایران
الف ۱۳۷۸
۱۲۵۸۰ - ۷۸ م



موسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر

گاتها یا سرودهای آسمانی زرتشت

موسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر

خیابان انقلاب - فلسطین جنوبی - شماره ۶

کدپستی ۱۳۱۵۷ - تلفن ۶۴۶۲۷۰۴

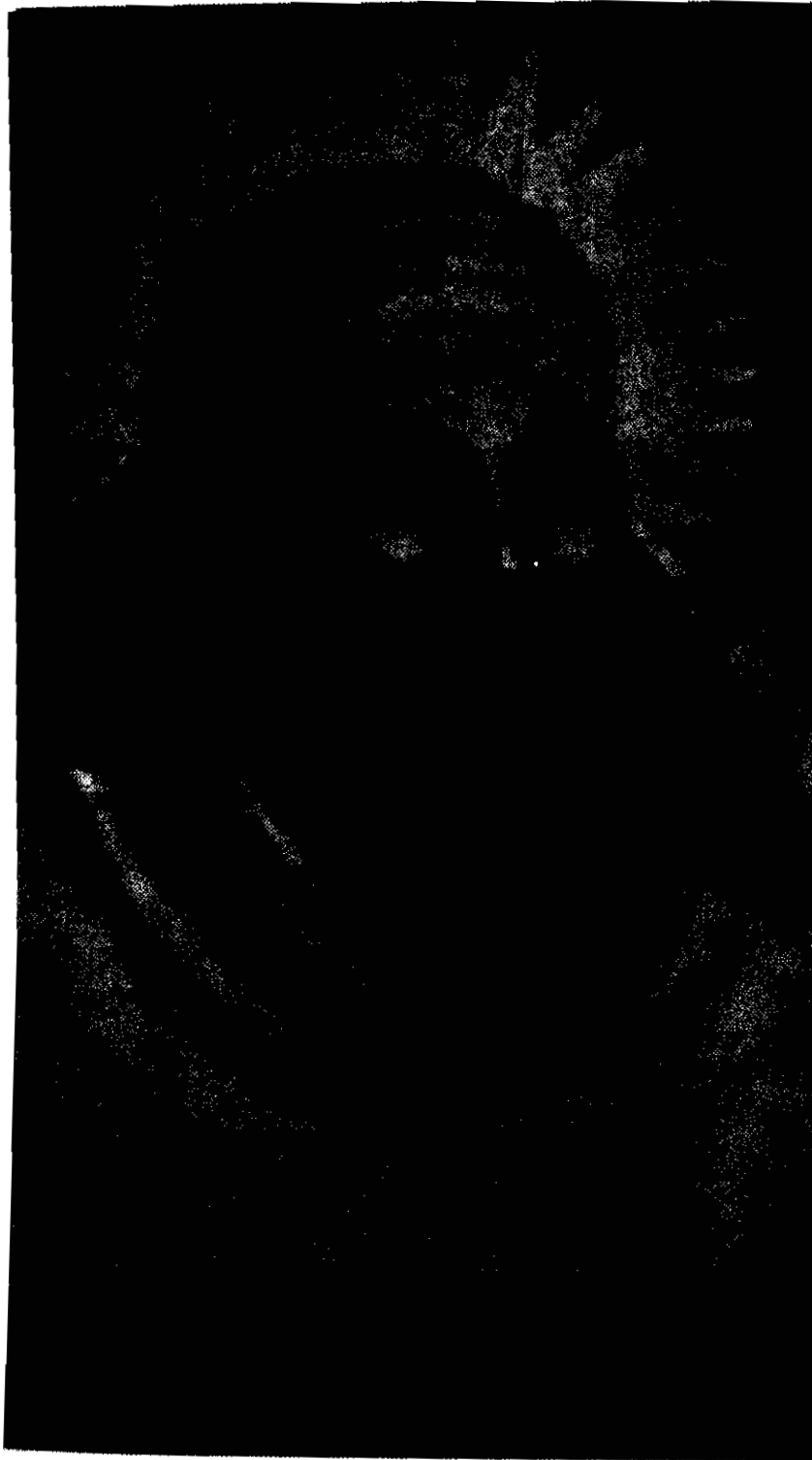
برگردان به فارسی: موبد فیروز آذرگنیشب

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: شرکت چاپ خواجه

چاپ دوم: ۱۳۷۹

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

شابک ۹۶۴-۶۳۲۰-۰۷-۴ I.S.B.N: 964 - 6320 - 07- 4



فہرست مطالب کتابتیں سرودہ ہی آسمانی زرتشت با ذکر نامتہا مابین

ذکر صفحہ ہا	تعداد بندہا	تعداد ماہانہا	ہاتف ہا	حکات ہا
۶۱ تا ۲۸	۱۱ بندہ یک بندہ نیرغز	۷ ات بیل	۲۴ ات ۲۸ » ۷ ات بیل	اہنودکات
۸۵ تا ۲۲	۱۱ بندہ	۲ ات بیل	۱۶ ات ۲۲	اشتودکات
۹۷ تا ۸۶	۱۱ بندہ	۴ ات بیل	۵۰ ات ۴۷	سپنتہکات
۱۰۴ تا ۹۸	۲۲ بندہ	نقطہ ۱ ات بیل	۵۱ ات	دہوخستہکات
۱۰۸ تا ۱۰۵	۹ بندہ	نقطہ ۱ ات بیل	۵۲ ات	دہیشواشتہکات
	جمع ۱۴۸ بندہ اضافہ کیے بندہ سراغاز			پیش گفتار از صفحہ ۱ تا صفحہ ۲۷

پیش‌گفتار

نظر باینکه جمله اول و دوم گاتا، سرودهای آسمانی از رشتت که نگارنده برای ترجمه آنها سال‌های بسیار رنج برده ام کتابهای قطور و گران قیمتی هستند که خرید آنها برای همه علاقمندان امکان پذیر نیست و از آنجا که اطلاع و آگاهی از متون سرودهای مذکور و بکار بردن دستورهای اخلاقی و آموزش‌های سودمند و شور بزرگ ایران در زندگی نه فقط برای افراد رزق‌تشی بطور خاص بلکه برای تمام مردم جهان بطور عام بسیار واجب است بنا بر این بر آن شدم که تنها ترجمه کامل آنرا هم‌فرد «ت فصل» گاتا را یکجا در این کتاب آورده و آزاد و دسترس علاقمندان قرار دهم باشد که در این راه خوانندگان محترم بی‌توجهی سرودهای آسمانی رزق‌تشی برده و در زندگی و نهایتاً از آن آموخته، در ساختن جهانی آباد و آزاد و پیشرفته بجدیت و کوشش پردازند و در تأمین شجوهی آسایش بشر ممت کمازند.

ضمناً برای آنکه خوانندگان از مفهوم گاتا و سبب‌ها آن بجهتین از سرانیده آنها اطلاعی داشته باشند سعی خواهد شد بطور مختصر و فشرده در زیر آورده شود.

گاتا از لحاظ مفهوم معنی سرودهای آسمانی است و با واژه گیتا که سرودهای مقدس هند است مترادف می‌باشد. گاتا دارای هم‌فرد «ت فصل» می‌باشد که چون بخشی در میان بخش‌های قرار داده شده است و پنج بخش تقسیم‌گشته است که عبارتند از: آه‌نود - نشترود - سپند، دُبوخَشترود و بیشتر ایشیت کات.

آهنگات از بت ۲۸ یسا شروع و تا بت ۳۴ ادامه دارد، جمعاً هفت فصل بوده و بنام
 یشت گاوان نیز معروفست که معمولاً هنگام انجام مراسم پرسه «نختم» توسط موبد خوانده میشود.
 آشتودکات دارای چهار فصل بوده از بت ۴۲ یسا شروع و به بت ۴۶ خاتمه میابد
 سپنتم دکات نیز دارای ۴ فصل میباشد که از بت ۴۷ یسا شروع و بت ۵۰ خاتمه میابد.
 دوهوشتر و دوهشتواشت کات هر یک دارای یک فصل میباشد که بت ۵۱ یسا را دوهوشتر و بت

۵۳ رادیهشتواشت نیاسند

کاتابازبان اوستائی بسیار کهن سروده شده از لحاظ قدمت با ریکت ویدئد برابر است و در سخنان دانشمندان
 هرگاه بتوانیم زمان کاتابا را تعیین کنیم، زمان اشور زشت سرزیده این سرودهای نغز را
 نیز میتوان تعیین کرد، شاسفانه با توجه شدن کاتانجامه معظم شاهی در تخت جمشید بدست اسکندر مقدونی و از
 بین فتن باقیاننده مارک دینی زرتشتیان در حملات اعراب و یورش و هجوم قوم منول این سرزمین، امروز
 مدرک و مآخذی که بتوانیم تاریخ زرتشت و کاتابا را بطور دقیق بیاوریم در دست نیست، همین علت را جمیع پیمبر
 ایران تا بحال عقاید و نظرات مختلفی ابراز شده است که از بین آنها راجع بسته نظر بحث خواهیم کرد.
 نظریه اول تاریخ سنتی است که زمان زرتشت را سیصدسال قبل از حمله اسکندر به ایران یا
 حدود قرن ششم میلادی دانسته است، ولی این نظریه امروز بکلی مردود شناخته شده است
 بعلاوه اینکه زبان اوستائی کاتابا با فارس باستان پنجمنشی یکگونه شباهتی ندارد و از آن

که نشسته بچکد ام از شاهان نجاشی ذکر می از نام پیر ایران کرده اند .
 بعد از گشتاب کیانی یاد پشیمان اشور زشت پادشاهی مقتدر و نیرومند بود در صورتیکه
 گشتاب نجاشی که در حدود قرن ششم بم، نیریت، پدر داریوش بزرگ و فرمانروای کوچکی میس بود
 و تقریباً بطور گمنام زندگی میکرد است چنانکه داریوش در سنگنوشته خود هیچ عنوانی برای پدرش
 بهشتاب قائل نشده است ولی خود را شاه شاهان مینامد .

نظریه دوم گفته های مورخین یونان است که زمان زرتشت را حدود شش هزار سال قبل از میلاد
 ذکر کرده اند، این نظریه نیز بعقت فقدان مدارک مستند و کافی طرفداران زیادی ندارد .
 نظریه سوم عقیده اوستاشاسان دانشمندی است که زمان اشور زشت را یک هزار تا
 یک هزار و هفتصد و پنجاه سال قبل از میلاد دانسته اند یعنی زمان زرتشت را کمی پانزدهمین از زمان
 ریکت بد شمرده اند ولی درین اوستاشاسان تنها نظریه پر وفور میسر که کمال اهمیت را در
 برای اطلاع خوانندگان در زیر نقل مینماید .

سالها پیش تصور میکردم زمان پیر ایران نباید بیش از یک هزار و پانصد سال قبل از میلاد باشد
 ولی بعد از مطالعه زیاد توجه شدم که هر چند زمان زرتشت را از ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد
 هم عقب تر سر هم منطقی تر خواهد بود زیرا هر گاه زبان گائانام را قبل از پرتش مهر بدانیم میوانیم این
 کتاب آسمانی را کهن ترین مجموعه خطی بدانیم که به ما رسیده است؛ ولی با توجه بکلیه حقایق

مخصوصاً تاریخ گذشته ایران و تفسیراتی که در زبان آریائی چشم میخورد و عدم وجود مهر و موم در گاتاها دو ایرادی که در اوستای متأخر و ریکت بیشترن بوده و تفصیل از آنها بحث شده نشان میدهد که سالیان بسیار بسیار درازی طول کشیده است تا کیشی که خالی از هرگونه موبوم و خرافات و تعصب آلودگی بود نازل کرده و بصورتی درآید که در مهرپرستی آئین هوم رواج داشت بطور مسلم بدون تردید ایزدان مشترکی که در دیشت با ریکت مذکور شده اند بسیار کمین میباشند و اگر زمان گاتاها را قبل از پرستش ایزدان مذکور بدانیم چون در متن سرودها هیچ ذکر می از آنها نشده است پس تاریخی برای قدمت گاتاها نمیتوان تعیین کرد.

صنایع و فنون راپسین آئیند آلمانی در این مورد می نویسد :

در سراسر گاتاها با وجود اینکه بیش از ۲۰۰ بار از خداوند یکجا نام برده شده است اغلب بصورت فردا اهورا و یا بصورت تعلیقی فردا و اهورا می باشد در صورتیکه در شکوخته های منشی همیشه نام خداوند جان و فردا، اورمزد و اهورا ذکر شده است و این موضوع نشان میدهد سالیان دراز و با حقیقت گذشت چند هزار سال لازم بوده است تا نامی را که مورد توجه و استفاده همگان بوده و هر روز مردم از آن یاد میکردند تغییر شکل و ماهیت بدین معنی از صورت فردا اهورا بشکل اهورا فردا و اورمزد درآید.

تحول زبان بشکل مذکور خیلی بذرت آهنگ بعد از گذشت قرن ها امکان پذیر است.

با توجه به نظریه پرودور راپس و پرودور سیلر و تفسیر این دو عقیده با هم، می‌توان گفت زمان اثر زرتشت و گاتانا در حدود دو سده هزار تا ۳۵۰ سال قبل از میلاد بوده است. در حال شور زرتشت به بر زمان مکان محیطی تعلق داشته باشد مایه افتخار ایران و سرزمینی ایرانیان است زیرا اولین آموزگار و رهبری بود که بشیر را بسوی یکپارستگی درستی ارشاد فرمود؛ در نیمه دوم پنجم سخن خواهیم گفت اما گاتانا بهمانطور که در بالا ذکر کردیم دارای مفهومی صلی بوده و هر کدام از مکاتبات دارای دوازده آیه است بخصوصی است که بدون کم و کاست به دست ما رسیده از دست حوادث روزگار این مانده است علت آن نیز به نظم بودن این سرودهاست که بهتر در حافظه مانده است.

برخی از گاتانا دارای سه مصراع ۱۶ سیلابی و ۴۸ سیلابی و برخی هم دارای شش مصراع دوازده و هشت بجایی می‌باشند.

بطور مختصر می‌توان گفت کمترین، نغزترین، پر مغزترین، اندیشه بر انگیزترین، والا ترین، مطنن ترین بخش اوستایی را گاتانا تشکیل می‌دهند.

النون بیستیم گاتانا رابع به چه موضوعاتی بحث میکند. مهم ترین و عمده ترین بخش گاتانا به یکپارستگی، طرز شناخت پروردگار بکتباد و توضیحاتی رابع به مزد اهورا، تپسی بخش بکتباد و اناورا رسیدن به ادا اختصاص داده شده است. در گاتانا با صراحت تمام شور زرتشت را نخستین آموزگار بشیر و بشیر یکپارستی مطلق می‌شناسد و چنانکه در بند پنجم از ذات ۴۶ اشود مکاتبت می‌نویسیم:

یکیت آن را مرد بزرگ و نخستین آموزگاری که با آموختن تو را ای پروردگار شایسته ترین

ذات موردتسائیش بشناسیم و ترا در پاک کردارنا و سرور راستی بخوانیم»

بطور مسلم این را مرد بزرگ کسی گوید که جزو کشور بزرگ ایران نباشد که در ۲۵۰۰ سال قبل از

سیلاد برای ارشاد بشر بسوی یکتاشناسی برانگیخته شد. در زمانی که موبوم و خرافات و جهل و نادانی

سراسر ایران را فرا گرفته بود و خدایان پنداری بیشتر مورد توجه و احترام بودند و نیازها و فدیهای

خونین برای جلب ضاییت آنها انجام میشد، اشوزرتشت مردم را به پرستش یکتا خداوند بهیسا و

و آفریننده کاینات دعوت فرموده تنها او یعنی ابورمزدا هستی بخش دانای بزرگ یا خداوند

جان و خرد را سزاوارتسائیش و پرستش میگرد و در بند ۱۱ از باب ۴۴ یسانچین فرمود :

«... پروردگار امیدم که تو مرا برای انجام این کار بزرگ بعنوان نخستین آموزگار برگزیده»

اشوزرتشت بعنوان نخستین آموزگار بشر برای ارشاد مردم بسوی یکتاشناسی در راستی برگزیده شده است

و خود را موظف میداند تا در انجام این کار بزرگ که جز ارشاد و رهبری مردم جهان چیز دیگری نیست

فتمای کوشش خود را بنجامد.

در تأیید این گفتار که اشوزرتشت اولین آموزگار و مبشر یکتا پرستی در جهان بوده است»

بند سوم از باب ۲۸ اهنودگات میخوانیم :

« ای هستی بخش دانانا، ای اشادای و همون (مظاهر راستی و پاکی) آفریننده نیک و

«مهرورزی مردم» اکنون سرود ملی میسریم که پیش از این کسی نسوده است»
 همچنین در بند اول از باب ۳۱ نیسان آمده است که :
 «ای جویندگان دانش! اکنون آموزشها و پیام ملی را که با مجال شنیده شده است
 برای شما آشکار خواهیم ساخت»
 این دو بند خوبی نشان میدهد که قبل از آشور رشت کسی بعنوان آموزگار و بر سر بطور
 نگه کرده بوده است .

ضمناً برای شناخت پروردگار بختی میفرماید بدیده دل رجوع کنید زیرا فهم و درک خداوند بختی از
 راه اندیشه امکان پذیر نیست چنانکه در بند هشتم از باب ۳۱ نیسان آمده است :
 «ای خداوند جان و خرد بختی که در اندیشه خود ترا سر آغاز و سر انجام مستی شناسم با
 دل دریا قسم که تویی سرچشمه منش پاک که تویی آفریننده راستی و اوراد ادری که کردار مردمان
 جهان را دور می کنی»

و در مابین این موضوع باز در بند هشتم از باب ۴۵ استودکات میفرماید :
 «چون اهور مزدا را با دیده دل دیده ام کوشش خواهم کرد با سرودهای ستایش تو خست را
 بسوی خود جلب کنم ، با اندیشه و گفتار و کردار نیک و در پروردگاری و درستی «بایتم که اهور مزدا ،
 هستی بخش دانا و پروردگار بختی است ، بنا بر این نیایش قلبی و ستایش خود را بسیار گاه پیش نیانم»

در این بند با کمال روشنی اشوزتشت امروزه در آستانه‌ی محبت دانا و پروردگار نیانسته
و اورا سزوار نیایش و تسلیش قلبی میداند .

برابر اشوزتشت و کلمات ۴۴ اشوزتشت بطور شاعرانه امروزه در آفریننده زمین
آسمان و آب و گیاه و حیوان و انسان و خورشید و ماه و ستارگان کرات درخشان آسمان نیسته
و اورا آفریننده کلیه کاینات و همه هستی با میانسند تناسل و آستایش و پرستش می شمارد .

صفاقی که در کاتانا برای خدا آمده است عبارتند از : ازلی و ابدی ، سرآغاز و سرانجام
همچیز ، بالاتر و برتر از همه ، فروغ بی پایان ، روح محض ، همیشه حاضر و ناظر بر اعمال نیکان
خویش بخشنده و نجاشیکردن مهربان ، تغییرناپذیر و جاودان ، از همه چیز آگاه و دانا ، توانا بر همه کارها
تیزبین و دوربین ، بدون شریک و همتا ، فریفته نشدنی ، پروردگاری دوستی مهربان و مبینی .

نکته ای که در کاتانا بدان اشارات مکرر شده است الهامی بودن سخنان اشوزتشت از
جانب امروزه می باشد امید است کسانی که نا آگاهانه و خستور بزرگ ایران را فیلسوفی بیش
نیدانند بهار و زیر توجه نمایند .

در سرآغاز اشوزتشت کلمات چنین آمده است : « سرسرا زنده و مختار و کردار اشوزتشت
الهامی است از سوی خدا و می تواند که انسان را بسوی رسانی و خوشبختی را بهمانی میکند . »

و در بند ۱۱ از ۲۸ نیاسیفر ماید :

«ای آفریننده بزرگ و دانا از راه حس و بینش و الهام دانه پدید آمدن آفرینش را از زلزله ازل من بایوز، حقیقت را بر مردم جهان آشکار سازم.»

در رابطه با الهامی بودن سخنان اشوورتشت در کاتانا، اشارات زیادی شده است که نگارنده یک مورد دیگر را ذکر و سپس توجه خوانندگان محترم را بنحایت دیگری که جنبه اخلاقی و حیاتی دارند، مطرف خواهیم ساخت.

در بند سوم از اذات ۳۱ «... ای خداوند خردمند ما از تمام این حقایق آگاه و با گفتار الهام بخش خود، ما را روشن نمائید تا همه مردم را با آئین راستی ارشاد کنیم.»

یکی از مواردیکه کاتانا بر آن تأکید بسیار دارد و از اصول مهم کیش فردینا بشمار میآید موضوع آزادی افراد در خستیار راه نیک، بد و گزینش دین خود می باشد چنانچه در بند دوم از اذات ۳۰ اینودکات چنین آمده است:

«ای مردم بهترین سخنان را بگوشش بشنوید و با اندیشه ای روشن و ژرف بینی آنها را بررسی کنید، هر مرد و زن راه نیک و بد را شخصاً برگزینید، پیش از فرارسیدن روز واپسین همه پیاخیزید و دستکش آئین راستی بکشید»

و باز در بند ۱۱ از اذات ۳۱ در همین مورد میفرماید:

«ای خداوند خردمند و حکامی که در روز ازل جسم و جان آفریدی از منش خویش خریدی از یسیدن

و غر و خبشیدی، زمانی که بتن خاکی روان میدی و بانسان نیروی کار کردن سخن گفتن و بهی کردن عنایت فرمودی خواستی تا هر کس بدخواه و باکمال آزادی کیش خود را برگزیند»

سلم است با وجود چنین آزادی افراد «مقابل عمل نیک و بد خود مسئول بوده و برابر کاتان در روز و اسپین کسی از آنها شفاعت نخواهد کرد بلکه طبق بند ۵ از بات ۴۳ استودکات امپوراً مقرر فرموده است که «بدی از برای بدان و یکی از برای نیکان خواهد بود» یا عبارت دیگر اسکافا عمل خافل شو، کندم ار کندم برودید جوزجو. برای هر کار نیکی پاداش برای هر کار نشتی کفیز مقرر گردیده است و قانون اثا یعنی کنش و کنش در همه جا و همه موارد حکم فرماست به عکس هر قدر هم با قدرت و نفوذ نخواهد توانست از و کنش عمل اثا است خویش دان باشد چون برای هر کاری سکافات و مجازات تعیین شده است. اشوزرشت بر دم توصیه میکند بر علیه بدی و نشتی پیکاری د انم و پی کیر باید داشت و تا نابودی آن نباید از مبارزه دست کشید در بند ۴ از بات ۴۶ استودکات در این مورد چنین آمده است :

«ای فردا کسی که با تمام نیرو و جودش بر علیه هواخواهان دروغ پیکار کند او جهان آفرین را بر او خرد و دین حقیقی بر سببری خواهد کرد»

در مورد پیکار با بدی و حکمت پیروزی روشنفانی بر تاریکی و سپنتا مینو بر انگره مینو اثا مکرری شده است که بذکر برخی از آنها مبادرت خواهد شد.

در بند دوم از ذات ۳۳ یسنا میفرماید: «کسی که با اندیشه و گفتار و کردار و با بزدوان خویش باید کاران بکار کند و نقشه آنها را هتیم سازد و یا آنان را بر راه راست رهبری کند چنین شخصی خواست پروردگار را انجام داده و بخداوند جان و خرد عشق میوزرد».

در کیش زرتشت و بناگاتا، آنتا پرهیز از کارهای ناشایست و دوری از شر و فساد کافی نیست بلکه علاوه بر آن، افراد تبه کاری که در صدد ایجاد فساد و یا جاتی هستند جلوكیبری بعمل آورده و حتی آسبی می کنند افراد و حرف و سیه کار را بر راه راست هدایت نموده زرتشتکاری آنها را هتیم سازد.

اشاره زرتشت معتقد بود کسی که سیه کاران را کمک یاری نماید خود نیز از طرفداران و هواداران آنهاست و کسی که بیکو کاران کمک کند از پارسیلو دستکاران بشمار خواهد آمد چنانکه در بند ۶ از ذات ۴۶ اشودگات میفرماید:

«... کسیکه برای هواداران دروغ آرزوی فیروزی کند و بدنامیاری بخشد از هواداران دروغ و کسیکه دست کرداران را دوست داشته و بدنامیاری کند در زمره پارسیان بجای خواهد آمد. برای دوری چنین از بدی و دروغ و تبه کاری در ذات ۵۳ یسنا بند ۱۶ اشوزرتشت به سروران خود چنین توصیه میفرماید:

«ای مردان و زنان کوشش کنید... از دروغ که همان زنده گانی، مادی و دوسوسه گنزی است پرهیز کنید، از پیشرفت ریاض و فریب جلوكیبری نمائید، پیوند خویش را با دروغ بیکباره بگساید»

بدانید آن خوشی و سروری که از راه نادرست و بختی و بیچارگی دیگران بدست آید غریب و افسوس خیزی
 بار نخواهد آورد و تبه کاران در فرغ پرستانی که در پی تباهی دست کردارانند برستی زندگانی
 معنوی و آرامش روحی خود را از زمین خواهند برد.

موضوعی که در کاتانها بدان اهمیت بسیار داده شده است انسانیت و مردم داری است
 میباشد. اشوزرتشت بیشتر بجنبه اخلاقی مردم توجه دارد، او میخواهد همه افراد بشر برادر و کنار هم
 با صلح و صفا و مهر و محبت زندگی کرده و یکدیگر مکر و رزند او شو بختی را حو شخت کردن دیگران
 نیاسد چنانکه در اشئو دکات میفرماید:

«اوشتا اجمانی بهانی اوشتا کمانی حیت» یعنی خوشبختی برای کسی است که دیگران را خوشبخت
 اشوزرتشت یاری کردن در مانده گان و بیچارگان و دستگیری از ناتوانان مستعدان
 و وظیفه وجدانی هر فردی میداند و پاداش افرادی که بدویشان کمک کنند مملکت آسمانی و
 نیروی اهورائی مقرر فرموده است.

اشوزرتشت توصیه میفرماید برای رسیدن بخداوند بختا و زیارت یدار او تنها بهرورد
 فردزگان اهورائی که بنام اشا سپندان معروفند سیر است که در راس همه اندیشه نیک و
 سالم و منش پاک یعنی دهرمن قرار داد، وقتی انسان مغز خود را از هرگونه انکار ناشایست و پلید
 پاک کرد و اندیشه نیک و خیرخواهی را جایگزین آن ساخت، هنگامیکه بدون حب و بغض و بدون

خودخواهی بسال توجه پیدا کرد و سود و گران را بر منفعت خویش ترجیح داد آنوقت است که فرزند پانگشتی خداگونه در او بوجود آمده است و می‌تواند بر حلقه دوم کمال که آشنایی راستی و پاکی است کام بنهد. در این مرحله باید راستی و درست‌تری را همیشه جلو دید خود قرار دهد از دروغ گفتن سخت پرهیز نماید اگر جان او نیز در خطر باشد نباید از راست گفتن ببرد با پیشرفت در این مرحله به فرزند کمال گذشت و انصاف است و جوانمردی، اعدال، میانه روی، شمامت، مردانگی، خواجهدگرفت، و بسوی کمال خویشش درمی‌آید و چیرگی بر نفس و خدمت ببرد کم‌کند و دیگر گنهای خسترا یا شهرپر است دست خواهد یافت سخت‌ترین مرحله اینجاست که انسان بتواند بر ایصال بهوس و آرزو و خواسته‌های خویش شریاری کند و در بهترین مادم و جهاد با نفس از این مرحله نیز فرزند سیرت آید از آن پس آخرین گامه پستنا آر می‌شود یعنی پاک و فروتنی و بردباری کام خواهد گذاشت در این مرحله شاکر و کاتب انسانیت عشقی پاک بنماید همه بندگان خدا پیدا خواهد کرد و او از مهر و محبت نسبت به همه افراد بشر لبریز خواهد شد و بر حلقه کمال درستی و جاودانی بهادرات و امرتات (خرداد و امرداد) خواهد رسید در این مرحله وجودش از فرزندگان خداگونه انباشته خواهد کرد و چون پر تویی از فروغ درخشان اهورائی همه برادران و خواهران نوعی نور محبت و خدمت و نذاکاری خواهد تابا با چنین شاکردی که مراحل کمال انسانیت را طی کرده است همه بنای شبر را از هر نژاد و ملیت و مذنب چون برادر دوست خواهد داشت و به محبت خواهد ورزید او بر حلقه کمال انسانیت وارد گشته است، او دیگر بوسیده پرورش فرزندگان اهورائی

خداگونه شده است، او برای رسیدن بخدا اول بار بدون خویش توجه پیدا کرده سپس بانیش درون
باندیشه پاک و بی آلاش با راستی و درستی و حیرتی برهنش محبت همه توانسته است به آبران خویش یعنی
دیدار با خداوند درون نایل گردد.

اشوزرتشت جهان هستی را میدان مبارزه و کشمکش ایم دو نیروی ضدین یعنی سپنتمانو و ائمه فر
میداند و میفرماید، این دو گوهر همزاد و همراه در عین حال که با هم مخالف و در ستیزند لازم ملزوم یکدیگر نیز میباشند.
وجود این دو گوهر با هم آفرینش و هستی را پدید میآوردند مثلاً نیروی مثبت و منفی در عین مخالف بودن با
یکدیگر موجب وجود آمدن برق میگرددند. نیروی جاذبه و دافعه موجب ثابت ماندن کرات آسمانی جلای
خود میباشند، نیک و بد و زشت و زیبا بسگی بطرز اندیشه ما دارند آنچه بود است نیک و آنچه زیان
ما باشد آزار بد و نازیا میآریم.

بنابراین خود اشوزرتشت آنچه در انجمن وجود دارد از آفرینش خداوند گنجا میآید و در ذات
خود نیکوست و بنظر خاصی آفریده شده اند مثلاً تریاک ماده ای است هم شفا بخش و مسکن هم کشنده
و مرگ آفرین، اگر مقدار کم آن در مورد دندان درد و یا برای تسکین درد دیگری بکار برده شود بسیار
نافع و نیکوست، ولی اگر برای خودکشی و نابودی مورد استفاده قرار گیرد زهر است کشنده و مرگ آور
و ماده است بسیار مضر و زیان آور، نیک و بد همانطور که قبلاً گفته شد بسگی بطرز تفکر بشر دارد،
«ببابت دیگر نیک و بد و زیبا و زشت از زمانی بوجود میآید که بشر با عنصره وجود میگذارد و نیروی

تخصیص و تمیز او بکار میآید بجز یک در بند سوم از آن است. ۳۰. یسنا آمده است:

«آن دو گوهر همزادی که در آغاز در عالم تصور پدیدار شدند، یکی نیک است و دیگری بدی در اندیشه و کردار، چنانکه از مفاد بند بالا روشن میگردد، دو گوهر سپنتا و انگره میوند گوهر همزادی هستند که در برابر هم قرار گرفته اند و در عالم اندیشه بصورت نیک و بد ظاهر میگرددند اصلاً مفهوم خود میوند اندیشه و منش میباشد که یکی گوهر پاک یا اندیشه فراینده و سازنده است و دیگری گوهر ناپاک یا اندیشه ویرانگر و تباکننده.

انگره میوند که بعد از در زمان ساسانیان بصورت آخر میوند و اهرمن و اهرمن تفسیر شکل یافته است نمیتواند خالق شر باشد و در برابر او همزاد، برتری بخش و انامی بزرگ و چشمه نیکیها قرار گیرد. اهرمن در دنیا بشر وجود دارد و بسگی با اندیشه ویرانگر شیطان ضعیفان و دشمنان دارد و همچو چه وجود خارجی ندارد بعبارت دیگر میتوان سپنتا میوند و انگره میوند را بفرشته خوبی و اهرمن صفتی تعبیر کرد که هر دو در خوبی و خصلت اندیشه و نهاد انسان قرار دارد و از او جدا نیست. بنا به آخر بند سوم بات ۳۰. یسنا «و انایان و فرزانگان راه نیک و درست را برمیگزینند ولی با بگردان چنین نخواهند کرد و بسیار به خواهند رفت» شخص نادان و کور که گرفتار هوای نفس و کج خیالی خود شده و براه خطا خواهد رفت و در نتیجه کارهای ناشایست و غیر انسانی از او سر خواهد زد و رفته رفته در منشی و اهرمن صفتی در او ظهور و بروز خواهد نمود و تحتی خواهد بود از اهرمن انسان ناب، ولی شخص فرزانه و دانشمند راه نیک خستیار خواهد کرد و بر بهوسای نفسانی خویش مهار خواهد زد و با کارهای انسانی و شایسته خود فرشته ای خواهد شد بصورت انسان.

در مورد سوشیالیسم و موعود زمان در کاتانا بگویید :

در هر دوره‌ای از زمان که بیدینی و بی‌ایمانی، افس و فحور، دزدی و دروغ، فساد و جنایت، قتل و غارت، بیداد و ستم، حق‌کشی و زورگویی عرصه را بر مردم تنگ کند در چنین موقعی سوشالیست‌ها نجات‌بخش در حالی بخش ظهور خواهد کرد تا مردم را از بختی و بیچارگی نجات بخشد. سوشالیست‌ها جهان را تازه خواهند کرد و تحولاتی پدید خواهند آورد و داد و انصاف و راستی و درست‌دستی و نیکی و خوبی و آشتی و آرامش در جهان مستقر خواهند ساخت. از اینگونه سوشالیست‌ها یا سوسیالیست‌ها در استعماری بخش‌ها با آرا و اندیشه‌ها و برنامه‌ها و سوشالیست‌ها برای پیشبرد جهان بسوی تکامل و رسانی و تازه‌گرداندن آن از لحاظ تحول و گردونی بود و جامعه را تجدید و مضیبت کشید و پیشرفت مردم بسوی آبادانی و کمال انسانیت هر چند وقت یکبار ظهور کرده و میکنند مخصوصاً در مواقع بحرانی که خدمات آنها بسیار چشم‌گیر خواهد بود.

در کاتانا در روح یا دروغ را در تمام گناهان و نجس‌ها دانسته و در کونست یا در دیدنی‌ها خواه دروغ و دروغ‌گوارا دشمن دین راستین مزدینا خوانده و از آن بیدی یا بیکند. دیوسینا یا یواخوانان خدایان پنداری و دروغین در برابر مزدینان یا پرتسندگان مزدی، خداوند یکتا بارها تقدیم کرده و سدره پیشرفت اشوزتشت در ارشاد مردم بسوی یکپارستی شده‌اند.

روسا و کاهنان دیوسینا بنام کویان و کرپان او بخش مزاحمت‌های بسیاری برای پیغمبر وجود آورده و در بدو روز و صحراف ساختن مردم کوشش نمایند که گاهی اشوزتشت از کندی پیشرفت کار خویش به تیره می‌آید و زبان شکوه می‌شاید

هیچگاه در ایام او نسبت به امروز مزدا خلی وارد نمی‌گردد. گاتانا نشان میدهند چگونه دشواری بزرگ صبر و یکسانی پس از تلاش و کوشش بسیار و مواجه شدن با ناکامیها و زخم زبان ماسر انجام در همین سال ناموریت خویش موفق میشود پس عمومی خویش میدوید ماه و چند تن از خویشان نزدیک خود را بین همی در آورد و دو سال بعد چون پیغمبر در غرب ایران نفیختی بست نمی‌آورد پس شرقی بلخ در می‌آورد و شتاب شاه شاه زورمند کیانی را پس از حجت و مناظره های طولانی با دشمنان در بار کیش خود دریا آورد و با او جاماب و فرشتی که از وزرا و افراد بسیار سرشناس فرزانه کشور اندین همی را قبول و با کتک آنها کیش زرتشتی مزدیسنی در جهان رو کجترش میرود.

در گاتانا از کتاب فرشتی و جاماب و میدیو ماه بعنوان ایران بسیار با فاطمه بهترین ^{باشتابان} زرتشت نامبرده شده اند. دشواری بزرگ نامبردهگان را از اعضای برجسته انجمن معنای انجمن برادری و آزادی می‌شمارد. اعضای این انجمن بنام منخ یا کت یعنی بزرگی و بزرگواری و فرزانی معروف بود و افرادی از هر ساحت بزرگواری، آزاده و فرزانه بسیار می‌آمدند، ریاست این انجمن با خود زرتشت بود. نکته مورد توجه دیگر در گاتانا آنست که اثنوزرتشت بیشتر روی سخنش با دانا یان و بگردان است تاکید دارد که تنها این گروه پیام او را بشنوند و دیگران برسانند زیرا دشواری پاک نیک میداند که انجمن نادان و کور دل قادر به درک زرفای پیام راستین او نبوده و نخواهند توانست برابر آن رفتار نمایند و بیشتر تابع احساسات خود قرار خواهند گرفت.

گرچه پسر در ساندن پیام خود بطبقه روشنگر و دانا بیشتر توجه دارد ولی مکرر توصیه میاید که فرزند
 و فرزانگان باید جاهلان و نامخردان دانش بیاموزند و در شناخت راه از جاه آنان را یاری نمانند چنانکه
 در بند ۱۷ از باب ۲۱ اینودکات میفرماید :

« ... دانا باید بادانش خویش نادان آگاه سازد انشاید که نامخرد کجواه ماند »

اشوررتشت پس از یک عمر تلاش و کوشش و انجام ناموریت ارشاد و در بربری مردم جهان بوسه
 راستی و تجارستی سرانجام بنابه بند اول و هشتاد و نهم خواستهایش به تیرنجی آبرود
 شده و از یک زندگانی نسبتاً طلالی و سراپا پارسانی و خوش و خرم برخوردار گردید حتی کسیانکه
 با او دشمنی داشتند و اذیت و آزارش میکردند تغییر رویه داده و حاضر شدند نتحان حکمت بار و اندیشه
 را تخمیش را بگوش هوش بشنوند و باو احترام گذارند و درگفتار و کردار از آئین هجی پیروی کنند .
 چنین بود زندگانی سراپا کوشش و تلاش و حضور بزرگ ایران پیام آسمانی او .
 امید است علاقمندان بختار و پیام اشوررتشت بفارسی روانی که از تمام نخبه های کاتبان
 رده شده است بهره نیک گیرند و در زندگانی بکار برند .

در پایان لازم میدانم نظرات روان شاد و دکتر ایرج تاراپور و الا استاد و عالیقدر خویش و
 نین پر و فوسیلر انگلیسی را در مورد سرود های آسمانی زرشت برای اطلاع خوانندگان محترم در زیر یاد
 دکتر تاراپور و الا در مقدمه برگاتابهای خود میسنوید :

« تنها کسی که باز درون خود پی برده و با کوشش خستگی ناپذیر برای پاک کردن مغز خویش از هر گونه
 پلیدی و اندیشه های ناشایست طریق روحانی را طی کرده اند می توانند بزرگ گنهار و مغناهم درونی سخنان
 پمیران بزرگ نائل آیند. بنیان گذاران او یان و سرانیده گاتا نا از روی خرد و دانش بسیط و پررنگ
 سخنانی پر از حکت و فلسفه ایراد کرده اند. گنهار این نوابغ جهان نیستی است. « جا بلانده را کردن تیری در
 تاریکی دانست. « و یا آزا با صر فهای نامفهوم شیرخواری تشبیه کرد؛ بلکه باید سخنان زبور را تراوشات کلری
 شخصیت های نامدار و دانشندان سرگی دانست که در جبهه کمال رسیده از سوی خداوند یکتا به آنها الهام
 شده است. پامیران بزرگ حقایق آموزش های خود را به شاگردان و پیروان اولیه خود تعلیم دادند و
 نسلهای بعدی سوختند آن طوری که باید و شاید گنهار پمیران خود را درک نکنند بنا بر این رفته رفته موهوم و مخوف
 که زاینده جبل و نادانی است آموزشهای حکیمان آن را در مردان بزرگ و نجات دهندگان بشر را نشو
 و پشان ساخت. »

« تاریخ کلمه مذاهب نشان میدهد که بنیاد یک مذهب همیشه گنهارش از روی دانش و
 حکمت و نبی و بصیرت بوده الهامی از جانب خداوند یکتا است و خود بنیان گذار دارای شخصیت
 ممتاز و مافوق بشر عادی بوده و یا یک بر مردی باشد. مزید آن و پیروان اولیه نیز که همزمان با
 پمیر بوده و یا چند سالی بعد از او آمده اند از لحاظ فهم و ادراک و بصیرت بموضوعهای مذہبی و بحثهای
 اخلاقی نسبت به اشخاص متوسط و عادی بسیار برتری داشتند ولی تا آنجا که با گذشت زمان موهوم

و خرافات و روشناسی ناپسند وارد آئین پاک و بی آلائش بنیامگذار آن گردید و بر وزمان طای
تعالیم هوولی پمیر را گرفت»

از بین اوستا شناسان غرب استا پر فور سیز انگلیسی نظراتی بسیار زیبا و خردمندانه
در باره کاتاها و متون آن دارد که در مقدمه کاتاها می خود آورده در زیر قسمتی از آن را نقل نمایم :
« گفته امی که در سوره های آسانی کاتا بیشتر از هر چیز دیگر توجه را بخود جلب میکند آنست که
تمام قدرت در دست پروردگار توانائی است بنام اهورامزدا. نامبرده دارای شش فرزند یا پوتی است
بنام اشاسپندان یا جاویدانهای مقدس، آتش مظهر پاکی و قدرت خداوند و سرش مظهر فرمانبردار
از او امر آتی نیز مانند اشاسپندان تحت بانیه است و در کاتاها مورد احترام و اهمیت میباشد.
ضمناً از دو نیرو یا دو مینو بنام سئتا و انگره صحبت شده است که لازم و ملزوم یکدیگر بوده و
با اتحاد یکدیگر خیر و شر را در جهان هستی بوجود آورده و در نتیجه موجب مکافات و مجازات شده اند.
حقیقت آنست که هست و دوزخ بصورتی که مردمان روشنگر امروزی با آن آشنائی دارند
و جنبه معنویت دارد برای اولین بار در کاتاها ذکر شده است».

• بشرایان دراز مانند طفل از ترس و حشت دوزخ و پنج و خداهای گوناگون پس از مرگ بخود
بیلزید و از لذایذ و نعماتی که در بهشت برخوردار خواهد شد شادی مینمود و صورتیکه زرتشت در روزگار آن
بسیار کهن این حقیقت را آشکار ساخت؛ که پادشاهت و مجازات دوزخ امری درونی و معنوی است

و بهشت و دوزخ همان راحتی اندیشه و آسایش وجدان و ناراحتی نکردن فدای وجدان باشد،
آموزش این نکته در تغییر عادات و روش فکری ایرانیان باستان بسیار مؤثر بود.»

پروفسور سیلز اضافه میکند «در گاتانا برای راهبانی نیکوکاران پرویی از دستور مآثره،
کلام مقدس و پرورش اشا پسندان پرتوهای خداوندی تأکید شده است. در صورتیکه با پیشانی
وسیه دلان را در گاتانا می بینیم از سوسه های اکومن یا اهرمین همراه گردیده و بر شکاری و شکاری
خود مشغولند بطوریکه روان آفرینش از شکرهای آنهاستوه آمده و بدرگاه اهورا پناه میرد، گوش
مردمان در ستکار و با تقوی برای تأمین زندگی از راه مشروع با مخالفت دیو پرستان که سعی دارند
عیسای غم مزدا پرستان بر کشور ایران کفرمانی داشته باشند مواجه میگردد. سرانجام با درخواست مردان آفرینش
آشوزشت برای ارشاد و نجات مردم تعیین نوید داده میشود. از آن بعد بیک سلسله نیاشن و تاسایش
و درخواست و موعظه و اندرز بر میخوریم.»

تشت
«در خلال گاتانا با بچه های خونین و حمله دشمنان تکیا پرستی بر میخوریم ولی سخن کلام زرتشت
و سپاسگزاری او بدرگاه اهورا در کیه نسکنیم که پیر بر نصیحت شایانی بدست آورده در امر ارتقا می ذکر کرده است
اما راجع با سیکه زرتشت که بود و در کجا زندگی میکرد و چه موقع از ما در زانیده شد و فریاد چنان میسید
«زرتشت یک شخصیت تاریخی است و در وجود او، هیچگونه تردیدی نمیتوان داشت. در مورد
اینکه سرودهای مقدس گاتانا با زرتشت و نزدیکانش نسبت داده شده است برای من شک نیست ابهامی

وجود ندارد. گرچه امکان دارد استهسالی از گاتاها بعد از اردوسرودهای آسمانی زرتشت شده باشد. هم‌مذابط
کلی مضامین گاتاها یکپارچه بوده حتی عبارات و جملاتی که بعد از این کتاب آسمانی منجمله شده با
مضمون و مفاد اصلی گاتاها شباهت کامل دارد و از لحاظ ظاهر کلام نیز با آن منبایرتی ندارد.

علتی ندارد که نام زرتشت بعنوان محبوب‌ترین عزیزترین نام برای بشر باقی مانده باشد مگر اینکه
صاحب این نام دارای چنان شخصیت برجسته‌ای باشد که شاهنشاه با قدرتی چون کشتاب
با تمام افراد قلمرو خویش مجذوب بیانات شیوا و اندرزهای حکیمانه خود کرده باشد. در گاتاها مواردی
هست که بطور واضح سرسایده این سرود را نشان میدهد. مثلاً در بند ششم از نجات. «دینا» «نشتنگات»
آمده است که: ای بومرزا! بگذار یک صدای خود را با سرساییدن کلام مقدس بلند کرده است و او
زرتشت دوست فادارتوست از روی راستی دستورهای الهی را ب مردم جهان بلانغ و آنها را ارشاد
نماید» و باز در اینمورد ادامه میدهد:

«سراسر گاتاها از لحاظ قافیه و اوزان شعری و استعارات و اصطلاحات و عبارات یکجوا
و یکپارچه بوده و تردیدی نیست که اثر اندیشه و تراوشات فکری کنفر بطور مستقیم یا غیر مستقیم مبرهنه است.
حال اگر فرض کنیم زرتشت سرسایده گاتاها نیست پس شخص بی نام دیگری که اندیشه روح و قلب و
ضمیرش در راه اشاعه و انتشار مذہب یثا پرستی صرف گشته است باید این مهم را انجام داده باشد.
اهمیت زرتشت را میتوان در اقدامات شخصی پیردانت. گرچه نام و یشتاب فرستار

و جاماب هم درگاتا ذکر شده است ولی نمیتوان سخنان کتاب آسمانی را از آنها دانست زیرا سرانیده
سرودهای آسمانی از لحاظ شخصیت و تفکر براتب از آنها برتر بود.

« چیزی که روشن است اینکه در سراسر آیات این کتاب آسمانی روح یکفر تنظیم کننده و در
روحیه شاکر دهنش احساسات کین است و تجلی و تقابل میکند.

« راجح خصوصیات ویژه این آموزگار بشری با تعالیم ارزنده است که در کتاب گاتا با گنجینه
شده است. در هیچ عصر و زمان در هیچ جای جهان تا آنجا که مدارک و شواهد در دست نشان میدهد
شخصی وجود نداشته است که چنین اندیشمندان و پر مغز سخن گوید. گرچه امروز برخی از جهان افکار بلند
جنبه فلسفه های مذهبی و اخلاقی پیدا کرده است ولی تا آن زمان هنوز چنین اندیشه های شگرف و
سخنان گهربار را کسی بر زبان نیاورده بود.

« طرز تفکر و بیان شیوا می همیر کا ملا و ترکی داشت. در هر یک از دوازه ما و عبارات و
نوشته های اندیشه ای شرف و پر مغز منقته است. مهارت و استادی و در بیان حقایق عرفانی
بی نظیر است. اندیشه بلند و شگرف او در تحمیم بخشیدن بفرودگان ویژه پروردگار بصورت
اشا پسندان که پرورش آنها موجب تزکیه روح و دستکاری بشر میگرد چنان استادانه بیان شده است
که دانشمندان عالیقدر امروزی از درک اینکه اشا و هومن بصورت فرشتگان و اشا پسندان تحمیم
یا نه و یا اینکه اندیشه و اراده خیرخواهانه پروردگار است که در انسان تجلی پیدا کرده است عاجز میباشند...

« ارزش اندیشه و گفتار پیرایه باستان را باید از نقطه نظر زمان و مکان سنجید بدون توجه باین
 دو عامل هم دادوری صحیح در مورد زرتشت امکان ندارد. به نسکایکه خوانده گاتاها بزبان بسیار کهن
 که این سرود های مقدس سرسایده شده و بدن نسبتاً ابتدائی عصر می اندیشد از بیان چکامه پیمبر ایران
 ناگزیر زبان پختن و تمجید میگوید .

« راجح با احساسات شخصی زرتشت میتوان گفت از نسبت باهور فرزند ایمانی ظل نا پذیر و استوار
 دشت و با دشمن میوزید . واژه زرزدا یعنی Zaradaiti که دارای مفهوم خلوص نسبت به صفا
 باطن است در مورد پیر ایران مصداق دارد. از مفاد گاتاها میدانیم که آشور زرتشت شخص باشامتی بوده
 ولی از جنگ و خونریزی پرهیز داشته است . در مقابل سختی او ما به سوارها خود داری زیاد می نمود ولی
 برای فرود شدن بر دشوارها ایستادگی و سرسختی نشان میداد .

« در گاتاها همه چیز جدی و واقعی است ، روح آفرینش بطورش اعترافه در حال استغاثه است و اهورا
 و ماشا پسندان را در حال صحبت کردن و گوش دادن دیدن می یابیم ... همه چیز در گاتاها عملی است ،
 گزرها ، بندو ، گویان و گرپان و او سنجش ، دشمنان زرتشت غولهای افسانه ای نیستند . هیچ مار و اژدها
 مردم شهر و روستا را تهدید نمی کند ، هیچ پیلوان افسانه ای از مردم حمایت نمی کند . زرتشت فرستاده
 جاماسپ ، میدیوا ، اسپنتمان ، نووگوو ، سیچمپ از شخصیت های واقعی هستند که بطور ساده
 و بی تکلف از آنها نام برده شده است بجز الهام و وحی آسمانی که در اثر اندیشه و فکر عمیق بزرتشت

میدهد. در کاتانا از مجزات و کرامات خبری نیست، فعالیت انسان در اطراف تلاش و کوشش و غیره
 طبیعی برای رستین و نج بودن دوریزند، کجغرافیا و ستاسان چنانچه اول کاتانا را خوب مطالعه نماید و بعداً
 بیشتر داد و نذیاد بر پردازد، در واقع میتوان گفت چنین شخصی از عالم حقیقت بسزین افسانه‌ای قدم خواهد گذاشت
 « در کاتانا پایابری رامی میند که در حال تلاش و کوشش و تحمل سختی و مشقت است، در صورتیکه در ششها
 همین سخن را بصورت نیمه‌خدای افسانه‌ای مشاهده میکنید، هر چند افکار هوای افسانه‌ای ششها و نذیاد
 کمن بوده و برخی از آنها ستم از کاتانا در گیت دیدهند و ناینر کمن تر میباشند ولی بطور کلی زمان
 تدوین رشت داد و نذیاد بسیار متأخرتر از کاتانا میباشد.

« من (میلز) تصور میکنم کاتانا کمتر از سایر قسمتهای اوستا مورد دستبرد قرار گرفته است و چنانچه
 عبارات و جملاتی از خارج در آنها گنجانده شده باشد یا از روزگار آن کمن بوده و با شباهت بسیار زیاد
 با اصل متن داشته است، آن قسمت از کاتانا بار که بعداً در متن اصلی گنجانده اند با احتمال قوی کارشکاران
 اولیه زرتشت میباشد که همان روحیه و ایمان اخلاص استاد را در نوشته‌های خود حفظ کرده اند».

پروفسور میلز در پایان مقدمه خویش بر کاتانا میفرماید :

« گاهی برخی از دوستانم میپرسند چه چیز باعث شد که به آئین زرتشت و مطالعه کاتانا باری آورده ام
 در پاسخ باید بگویم من در سنین جوانی اشتیاق فراوانی بمطالعه و تحقیق در رشته عرفان و تخصص در این علم
 داشتم. در سال ۱۸۷۲ میلادی که به اردو پا آوردم این رشته را دنبال کردم. بعد عاشق و شیفته فلسفه

کانت شدم و مدت‌ها نیندر روی این فلسفه کار کردم ولی سرانجام برای پیدا کردن بیدار و اصل عرفان بزبان
زند و اوستا روی آوردم و فهمیدم که تمام این رشته ها مانند دانه های زنجیر بهم تنگلی و ارتباط دارند
و انسان را بر چشمه حقیقت و حقیقتی را بنام می کنند»

پیش گفتار خود را با سخنان نغز استاد پر فو و سیر استاد شناس انگلیسی دارستر فانسوی پان مینشم
«بر گاه برای تاریخ انکار بشر ارزشی قایل کردیم باید گفت استقامت همی را در این تاریخ
تخصیص خواهد کرد»

«اوستا نه فقط کمین ترین اثر جادوئی از افکار آریائی را با ما ارائه میدهد بلکه از نظر تاثیر عمیق
و وسیعی که در ادیان یهودی و مسیحی داشته است مقام مؤثری در توسعه مذہب و سر نوشت بشر کسب
کرده است» (میلر)

«کم در آمدترین و در مانده ترین فرد در تشریح خود را سر بازی میداند که باید برای فیروز می راستی برود
و نیکی بر بدی مبارزه کند، هیچ مذہب دیگری نمیتوانست در یک فرد احساسی بوجود آورد که اینقدر نسبت به
زندگی خوشبین باشد و برای زندگی ارزش قایل گردد و آزاد دست داشته باشد، کسی که طمینان دارد
در پر تویی و کوشش بر مشکلات زندگی چیره خواهد گردید، ستم سگشت در اندیشه او راه نخواهد یافت و همین امر
باعث شده است که در تشریح پان از گذشت طوفان های سنگین و بلا یایی خانمانوز هسنوز پای جا
مانده در هندوستان از همه پیشرفته تر و در جهان ترقی میچام تر از همه روبروی فروغ و روشنائی ما

با کاروان تمدن همگام بجلوسیتارزد... «دارمتر»
 امید است خوانندگان علاقمند بپوشه زرتشتیان از گفتارهای نغز و پراگماتیک این نوشت
 درس زندگی و انسانیت بیاموزند و آموزشهایش را در زندگی بکار برند تا هم در جهان کامروا هم در
 عقبی رستگار گردند.

در پایان لازم میدانم از زار و مرد خیر اندیش و وارسته ای که هزینه چاپ این کتاب را
 تقبل فرموده و حاضر باشی نام خود نباشد سپاسگزار می کرده و دیر زبوی و بهر زبوی شاد زبوی
 فیروزی او و خانواده ارجمندشان را از نیچا امورای توانا خواستار گروم.

روز سه شنبه و امرداد ماه ۱۳۵۰ یزدگردی

برابر با ۳۱ / ۵ / ۱۳۶۰ خورشیدی

مؤبد فیروز ادرگش

سرآغاز آهنگان بیت ۲۸

سراسر اندیشه و گفتار و کردار اشوزرت است الهامی است از سوی خداوندی که انسان را
بوسی رسائی و خوشبختی را بنیانی میکند «پاکان جاودان» «پرتوهای ابهرانی»، «سرودهای مقدس
کاتا» را فریاد پذیرید و با نماند ایمان داشته باشید .

ای کاتا، ای مقدس با کمال احترام بشمار و در پیوستم

بند ۱

پیش از هر چیز ای دانای بزرگ نیکی منزه ای مینوی، بادستهای برادر داشته ترا نماز بر
دخوشبختی کامل را خواستارم، پروردگارا بشود که در پرتو راستی و درستی و بر خرداری از خود و دانش
و ضمیر پاک روان آفرینش را خوشنود سازم .

بند ۲

ای هستی بخش دانای بزرگ هر آینه با اندیشه ای پاک دلی روشن تو نزدیک شده و بدیدار
نایل جوایم شد، پروردگارا پاداشی که تنها در پرتو راستی بدست یساید و نمونین را خوشبخت میزند
در هر دو جهان مادی و معنوی مبارزانی دار .

بند ۳

ای هستی بخش دانا، ای آشا و ای دهنمن د مظاهر راستی و پاکی و اندیشه نیک و مهرورز

« انہودکات - ات ۲۸ »

مردم، سرودائی میسریم کہ کسی پیش از این سروده است .
 آرزو دارم بوسیدہ آشا، و ہومن خوشترای فانا پذیر (مظہر قدرت ارادہ خداوند)
 حس ایمان و فداکاری دست بمان افزایش یابد . پروردگار ادرخواست مارا پذیرد بویمان
 روی آورد و با خوشبختی ارزانی دار .

بند ۳

در پروانہ پیک رو نم را ہوی فردوس رہبری خواہم کردہ با آگاہی از پاداشی کہ حسدای
 ہستی بخش دانا برای کارہای نیک مقرر فرمودہ است کوشش خواہم کردہ تا آنجا کہ مراتب و توان آشا
 مردم را با آموزش کہ برہستی گرایند و دستی مپہ سازند .

بند ۵

ای آشا، مظہر راستی و پاک، کی بزیارت تو نایل خواہم شد؟ ای و ہومن مظہر اندیشہ نیک،
 آیا بادش آگہی و خرد واقعی ترا خواہم ساخت؟ آیا با فرمانبرداری از ذای و جان
 فرمان اہورانی ہوی ہستی بخش دانا و توانا راہ خواہم یافت؟ بشود کہ در پروکلام معدس بنایر
 بیان گمراہان را بہ برترین راہ کہ ہما راہ راستی و نجات پرستی است رہبری کنم .

بند ۶

پروردگار اچانکہ در گفتار آسانی نوید داده شدہ است در پروانہ پیک و راستی ہوی

۱۰ بندگات - ات ۲۸

آسی و مارا از بخشایش دیر زوی بر خوردار ساز ، ای هستی بخش دانا بزرتشت و همه دوستان او
نیردی معنوی و شادمانی بخش تا بر کینه دشمنان خود چیره گردند

بند ۷

ای آشا آن بخشایشی که ثمره اندیشه پاک است با ارزانی دار ، ای آرمیتی آرزوی بخشش
و سپردان بار آورده ساز ، ای خداوند خرد و مابندگان فداکار نیر بخش تا فرمان تبعه تسلا به جانان
بصمانیم .

بند ۸

ای هستی بخش ، ای برتر از همه و با بهترین راستی هم اراده ، از تو قلنا آرزو دارم که به
فرشوستر نامدار و یارانم و همچنین بجانی که از بخشش جاودانی و نیک اندیشی برخوردارند بهشت
ارزانی داری .

بند ۹

ای اهورامزدا ، همواره کوشش میکنم سرودهای ستایش خود را صمیمانه نیازت کنم
و همچگاه آشا و وهرمن (مطاهر پاک و نیک منشی ، راجبشتم نیاروم زیرا آشا ، وهرمن و خشترا ای
توانا اسند او استایش میدانم ۱۰۰)

۱- آشا ، وهرمن و خشترا ، پر تو های سگانه اهورامزدا میباشند که عبادتند از راستی و نیک اندیشی و محبت همزاد
و خدمت بردم با شریاری نفس که سزاوار ستایش میباشد زیرا اینها نوزگان جلوه آئی هستند از خود اهورا .

بند ۱۰

ای هستی بخش دانا ، هر آینه آرزوی کسانی را که در پروردگارتی و اندیشه پاک از نظر تو روشن
و در شکر و ارشاد شناخته شده اند بر آورده ساز ، چه برستی میدانم تائیس ای خالصانه دلی یاری بندگان
تو که دارای بدنی عالی و نیک اند بلا اثر دلی نتیجی نخواهد ماند .

بند ۱۱

بشود که با این نیایش همیشه از نعمت راستی و اندیشه پاک برخوردار گردم . ای آفریننده
بزرگ دانا از راه حسد و بغض و الهام راز پدید آمدن آفرینش را از روز ازل بمن بیاور به حقیقت
بردم جهان آشکار سازم .

«ابنودکات» یسانات ۲۶ - بند ۱

پروردگارا روان آفرینش بدرگاه تو بگنجد است برای چه مرا بیا فریدی ؟ چه کسی مرا کالبد
هستی بخشید ؟ چشم و تیز و چپاول و غارت و گستاخی و تجاوز همه جار منم اگر توه ، مرا بفر تو پشت
و پناهی نیت بنا بر این نجات بخشی که توانم از این تخنارانی بجنبم نشان ده .

بند ۲

آنگاه آفریننده جهان دایم زلفردا ، از آشتا پرسید چه کسی رهبر و نجات دهنده مردم
جهان خواهد بود تا ما بجا تو ایم پشتیبان و یاورش باشیم و به او نیروی آباد کردن جهان گسترش راستی

۱۱۱. نظر راستی پاک تقوی و پارسائی ، گذشته و خداکاری شهادت مردانگی و داد و انصاف ، نظم بهیست ، سامان دادن

• ابودکات - ات ۲۶۹

بخشیم. اسی آشا آیا چه کسی را مای بیعنوان سردار و بر سر مردم جهان برگزینی تا بتواند سپاه بدار
دگر امان را در بهم بکشد و چشم و نفرت را دور سازد.

بند ۳

آشا به اهورامزدا چنین پاسخ داد، آن سردار و بر سر مردم که برای جهانیان برگزیده شود مستلماً
بیدار گردد و مستقیم بشیفته بگله شخصی بی آزار و مهربان است. از زمین کسانیکه در این جهان
خاکی زندگی میکنند گرچه کسی را نمی شناسم که بتواند نیکوکاران را در مقابل تبه کاران حفظ کند ولی
قطعاً او باید نیکو و سادترین فرد در میان مردم باشد تا بدخواست او بیاریش شتابیم.

بند ۴

بیجان اهورامزدا بهتر از همه آگاه است که در گذشته چه کارهایی بوسیله بت پرستان بود و ازان
آنانا سر زده و در آینده چه کارهایی بوسیله آنها انجام خواهد شد چون داوری این کار تنها با اهورامزدا است
بنابراین آنچه خواست اوست با بدان خوشنودیم.

بند ۵

ای دیون من در روان آفرینش بر دو با احترام و دستهای برابر نشسته اهورامزدا را تسلیش کرده از
او خواستارم که هرگز بیکوکاران پارسایان بر سر آنها نراندی زسد از خود دشمنان بدکاران امان باشند

«ابن‌الکاتب ۱۰۰ ات ۲۶»

بند ۶

آنگاه ابورامزدای دانا که بدانش خویش می‌روی حیات می‌بخشد چنین گفت:
 آیا کثیر سرور و نیوی شایسته و یا یک رهبر و نجات دهنده روحانی را که سرشار از پاکی و پرستش‌کاری
 باشد نمی‌شناسی؟

آیا چنین نیست که آفریدگار ترا بعنوان پاسبان و نخبان آفرینش برگزید و مویت چهار اتوبه بخشید؟

بند ۷

«ابورامزدا به سخنان خود چنین ادامه می‌دهد:»

این سرور و مقدس جو ششختی افزای (یعنی ابونور) از هستی بخش مطلق است که اراده اش با اش
 یکسان است و پروردگار پاک آنرا برای مشیفت جهان و سعادت مردمان درست کرد و از نازل فرموده است.
 پس از کمی مکث ابورامزدا باز به سخنان خود ادامه داده میفرماید: :
 ای و هو من، کسیت آن نجات دهنده‌ای که تو در نظرداری و می‌تواند مردمان را یاری کند و آنها را
 از گمراهی نجات بخشد.

بند ۸

ابورامزدا می‌فرماید:

چگونه کسی که بدستورات الهی گوش فراداد و بن او را خوب می‌شناسد، همانا زشت پندمان است.

تفاوت که خواستار آموزش آئین راستی و سرودهای تائیس مزدک است بنا بر این با و شیوایی بیان خواهیم بخشید .

بند ۹

آنگاه روان آفرینش با بگت بند گوید : آیین باید بدون چون چرا پستی تانی شخص تا توانا
 قبول کرده و بنجان او گوش دهم ؟ راستی مرا آرزوی شهریار نیر و مند و توانائی بود . آیا چه وقت
 چنین شخصی برای یاریم با خواهد خواست و با بازوان نیر و مند خود مرا حمایت خواهد کرد .

بند ۱۰

ای اهورا مزدا و ای آشا به اینها (زرتشت و پیروانش) نیروی معنوی و توانائی بخشید
 ای دهبوسن تو نیز به زرتشت آن را (یعنی نیروی اندیشه و هوش و خرد سرشار) ارزانی داراد
 پرو آن بجهت بیان آرامش و آسایش بخشید . ای دانای بزرگ ما همه او را برگزیده ترین آفرینش
 و شایسته ترین فرزند تو دانسته و بر بهری خویش می پذیریم .

بند ۱۱

روان آفرینش بنجان خود ادا می دهد :
 آشا، دهبوسن و خشترا چه وقت با روی خواهند آورد ؟ کی ای مزد آئین ترا نخبم بزرگ نمان
 خواهند پذیرفت . ای هستی بخش اینک که برای ما یار و مدد کار رسیده است ما هم آماده ننگداری هستیم .

توضیح

آشا، دُهوْمَن خَشْترا بتریب مطا هر راستی و پاکی، اندیشه پاک و عقل خرد
 و نیروی خدمت بخلق، کجک به مشیرفت و آبادانی و شهریاری برهومی نفس است،
 روان آفرینش میگوید: پروردگار ما را از فروزگان دیره نامبرده برخوردار سازد.
 ضمناً منظور از انجمن بزرگ مغان، انجمنی است که از زرتشت دیاران و دارا و پیش
 شده است و یا عبارت دیگر استه اولیه ای است که دکترش آئین نوین
 یعنی کیش زرتشت کجک شایانی نمود.

باید در نظر داشت که این نامت بصورت نایشی برگزار شده است که نقش مهم آن را
 روان آفرینش یا نماینده مردم جهان بازی میکند و آشا و دُهوْمَن (آشاسپندان)،
 و خود اهورامزدا برای نجات بشر از اینهمه ظلم و ستم پس از یک رشته پرسش و
 پاسخ اشوزرتشت را شایسته ترین فرد برای این مأموریت دانسته و او را بعد از
 رهبر برای ارشاد مردم برمیگزیند.

بند ۷

کسی که از نیروی معنوی و منش نیک و راستی و پاکی برخوردار باشد و آرزوی باعش دایان
جالبه و پاداری و استواری بنجد بجان چنین شخصی در آزمائش سخت زندگی فریور گرفته و در فرجه
بندگان نیک تو ای پروردگار محسوب خواهد شد.

بند ۸

همگامیکه بزهاران کجفر گمانان خود رسند آنگاه ای خداوند جان و خرد در پرتو انیسه
پاک قدرت ترا درک کرده و این حقیقت را خواهند آموخت که چگونه باید در برانداختن دروغ و
کژمی و کجک به فیروزی راستی و پاکی کوشش کرد.

بند ۹

پروردگار ایشود که مانند کسانی که جعبان را بسوی تکامل آبادی پیش می برد از بندگان
و فادار تو باشیم. ای خداوند جان و خرد و ای هستی بخش بزرگ بشود که در پرتو در راستی پاکی،
از یاری تو برخوردار گردیم تا زمانی که ما دستخوش بدگمانی و دودلی هستیم ندیده طلب یا چپاچه تو تو چیدان.

بند ۱۰

زمانی که بجان دروغ سکنت و تباهی فرارسد آرزوی مستبلی کسانیکه خوشنامی نیکی
معروفند برآورده شده و از نعمت سرای خوش نیک منشی و راستی بارگاه پر فروغ نزا (یعنی نشت)
برخوردار خواهند گردید.

نبد ۱۱

«هنودکات - ات ۳۰»

ای مردم هرگاه غنچه شادی و بویج را که حسد او ز خرد مقرر فرموده است
 بیا موزید و در یابید که در و غلگویان و تبه کاران کعبینه دیر پا و چار و
 دست کرداران پاکان از سود بی پایان خوشبختی بهره در خواهند کرد
 آنگاه در پرتو این صل نجر پسندی حقیقی در تجارتی نایل خواهید شد.



«ابودکات» بات ۳۱ لیسابند ۱

ای جویندگان دانش! اکنون آموزش و پیامی را که تا بحال شنیده نشده است برای شما آشکار خواهم ساخت. این پیام برای کسانی که از روی تعالیم نادرست و (دوسه‌های شیطانی) جهان نیکی را تباہ سازند ناگوار می‌باشد، ولی برای دلدادگان فرزندان، خوشایند و دوستی محبت است.

بند ۲

چون دوسه‌های شیطانی مانع از آنست که راه بهتر را آشکارا دیده و برگزینید ببارین خداوند جان و خرد مرا برای ره‌سپری شما برگزید تا زندگی کردن برابر آئین راستی برود و گروه نجان و بدان بیاورم.

بند ۳

پروردگارا در پر تو فروغ مینسوی با چه خواهی بخشید؟ آیا آن سعادت‌نی که در پر تو را پستی پاکتی بدست یاید و همه وعده شده کلام است؟ در مورد و انانیاں چه فرمانی داده شده است؟ ای خداوند خرد مرا از تمام این حقایق آگاه ساز و با کھنکار الهام بخش خود مرا روشن نما تا همه مردم با آئین راستی ارشاد کنم

بند ۴

ای خداوند خرد و ای اشاسپندان لطف و عنایت خویش را از ما دریغ مدارید تا در پر تو

(۱) دلدادگان فرزندان هستند که به خداوند احسان می‌ورزند و ایمانی صادقانه دارند.

«اہودگات: ۲۱»

فروزگان راستی و پاکی، عشق بی آلائش و فروتنی و اندیشہ پاک و نیروی معنوی کب کرو؟
و با پرورش آن برہو اخواہان دروغ فیروز کردیم

بند ۵

پروردگارا برابر برائین راستی را ہی را کہ بہر است بمن نشان دہ تا آرا بر گزینم، در پرتو
اندیشہ پاک مرا از پاداشی کہ بخوردار خواہم شد آگاہ ساز تا احساس شادی و سرور کنم۔
ای خداوند جان و خرد مرا از ہر سہ چیز آگاہ ساز، خواہ آنچه روی دادہ یا آئندہ رخ خواهد داد

بند ۶

دانی کہ آئین راستی را کترش دہد و مردم را از پیام مقدسی کہ آہنا را برسانی جاودانی
و حقیقت بہنہون است آگاہ سازد از بہترین جوہر شستی بخوردار خواہد شد۔
چنین شخصی بجان از نیروی اہورانی کہ در پرتو منش پاک افزایش می یابد بہرہ مند خواہد کرد۔

بند ۷

اوست نخستین اندیشہ گرمی کہ با نور خود افلاک را در حاشا ساخت و با نیروی خود جویش قانوں
راستی یا فرید تا نیک اندیشان را یار و پشتیبان باشد۔ ای خداوند جان و خرد ای کیسکہ
ہمیشہ در ہمہ حال یکسانی با روح مقدست فروغ ایمان، را در قلب ما برافروز

« این دو گات . ۳۱ »

بند ۸

ای خداوند جان و خرد ، بس گامیکه در اندیشه خود ترا سسه آغاز و سر انجام هستی شاقم
آنگاه بادیده دل در یاقم که تویی سر چشمه منش پاک که تویی آفریننده راستی داور دادگری که
کردار مردان جهان را داری کنی .

بند ۹

از آن توست آرمی ، از توست حسره منوی جهان آفرین ، ای خداوند جان و خرد
تو بهندگان خویش نیروی اختیار راه نیک و بخشیدی تا اینکه راهی برگزیند که راهها بد آن
گرویده و یا آنکه ره بر غیر واقعی نشان داده است . دیبارت دیگر بسوی راستی در بر حقیقی گزیند
یا بسوی دروغ در بر غیر واقعی روی آورند .

بند ۱۰

انسان باید از زمین این دو سروری راست کردار و پارسا و آفریننده منش پاک را بخوا
پشتیبان در برود واقعی برای خویش برگزیند . پروردگار را با در بر فریکار با ظاهر بیکی بچگاه
از حافظه ای نیرومند بهره ور گردد .

بند ۱۱

ای خداوند خرد و حکامی که در روز ازل جسم جان آفریدی از منش خویش نیروی آفریننده

«بندگات - ات ۳۱»

و خرد بخشیدی، زمانی که متن خاکی روان دیدی و به انسان نیروی کار کردن سخن گفتن؛
 به سری کردن عنایت فرمودی خواستی تا هر کس بدخواه خود و با کمال آزادی گش خود را بگزیند.

بند ۱۲

همان گاه چه در و علو و در استکلو و چه دانا و نادان هر یک عقیده ای را که در دل آید
 دارد آشکار خواهد ساخت و هر جا تردید و دودلی وجود داشته باشد آرمی و مظهر این
 و خداکاری بهنگ روان شتافته و او را راهنمایی خواهد نمود.

بند ۱۳

پروردگارا تو از (اندیشه و کردار) آشکار و نهان همه (آگاهی)؛ همچنین آنکه کسی
 برای در نانی، از خطای کوچکی سخت ترین کیفر تن در دهد با خبری. پروردگارا تو همه چیز را
 با دیدگان روشن من برابر قانون اشاء بقت مراقبت کرده و می بینی.

بند ۱۴

ای هستی بخش برای آگاهی از تومی پرسم چه رویداد ما در گذشته رخ داده و در آینده
 پیش خواهد آمد، ای مزود و طومار زندگانی نیکو کاران بدکاران چه پاداش کیفری ثبت
 خواهد شد و وضع آنها در روز واپسین چگونه خواهد بود.

از تومی پرسم ای هستی بخشی که از رویداد های گذشته و آینده آگاهی یاب برای

«ابن دکات. ات ۳۱»

مردان پارسا و نیکوکار چه مقرر گشته و در روز واپسین ای مرد با پیروان دروغ و غلو چه تفاوت خواهند؟

بند ۱۵

ای هستی بخش از تومی پرسم کفیر کسی که نیردی دروغ و غلو زشت کردار را افزایش دهد
صیت؟ همچنین کفیر یکدیگر دیگری حسنه جدائی انداختن مین مردم با ایمان در مهربان
راستی نذار و چگونه میس باشد؟

بند ۱۶

پروردگارا از تو میپرسم هرگاه شخص نیک آیدیش با تاب و توان در راه ترقی خانه
شهر و کشور و پیشرفت راستی و درستی کوشش کند از وصال تو برخوردار خواهد گردید؟ ای فردا
کی و چگونه چنین آرزویی برآورده خواهد شد؟

بند ۱۷

آیا که امیک از این دو شخص دستمکر دار و پارسا و یا شخص زشت کردار و ناپاک بتبرین را
برخواهد کرد؟ و اما باید با دانش خویش ندان را آگاه سازد، شاید که با خرد و همراه ماند.
ای خداوند جان و خرد باشد که راز و هوسن (یعنی عشق خدائی و نیش ناک) بر همه آشکار گردد.

بند ۱۸

هیچکس نباید بخوار و دستور شخص تبه کار و گمراه کننده گوش دهد، چونکه چنین شخصی خانه دوز

«انوار کلمات - جلد ۳۱»

و شهر و کشور را بپیرانی و تباهی خواهد کشانید، پس بر ما است که در برابر اینگونه نبردان، با سلاح پاکدلی
و پارسائی ایتادگی کنیم و آنا را از خود دور سازیم.

بند ۱۹

ای هستی بخش بشود که مردم به سخنان درست اندیش و دانائی که آموزشایش در بخش
روح و برای زندگی سودمند است گوش فرادهند و آنا را بکار بندند، کسی گوش دهند که
در کسرتش آئین راستی تواناست بیانی شیرین روان دارد، ای خداوند خرد با فروغ بانگ
دانش، سر زشت هر دو گروه (دانا و نادان) را تعیین فرما.

بند ۲۰

کسی که بسوی راستی و پاکی روی آورد و (پارسائی را پیشه خود سازد)، جایگاهش
سراسی روشنائی یابست خواهد بود، ولی شخص درو غلو و بدکار زمانی در بار با شیون
در تیرگی و کوره روشنی بسر خواهد برد، بر راستی نیت پدید کردار نشت شخص بز به کار است که او را
کز قمار زندگانی نگبست بار و عذاب وجدان خواهد ساخت.

بند ۲۱

خداوند جان و خرد از روی دانش و رسائی و بانیز روی الهام بخش خویش کسانی را از
بخشش کمال جاودانی، پاکی و راستی نیز روی منوی و توانائی خدمت بخلق، اندیشه پاک ضمیر

روشن بر خوردار خواهد ساخت که در اندیشه و کردار با او وفادار باشند؛

بند ۲۲

ای امپراتور امردا شخص خردمند و هوشیار و کسی که بانشس خویش حقیقت را درک میکند از قانون ایزدی آگاه است و با نیروی معنوی از راستی و پاکی پشتیبانی کرده و هتار و کردار خود را بجز بر راستی نخواهد آراست و در راه گسترش راستی گام برخواهد داشت. چنین شخصی نسبت به تو ای مزداد فادار و شایسته ترین یار و مددکار مردم بشمار خواهد رفت.



« اهنودکات » یسا هتات ۳۲ بند ۱

برای بر خور داری از بزرگترین خوشبختی خویشان و همکاران یاران نماز گزار تو میباشند و دیوان یاد پرستندگان تو ای طبیعت نیز امپراتور امردا، خداوند جان و خرد را تسایش کرده و همگی این آرزو را دارند: پروردگارا بشود که ما هم پیام رسان تو باشیم و آمانا که بزود نام تو نفرت دارند دور بگرداریم.

نُوصِیح

داثره هانی که بخویشان همکاران یاران ترجمه شده است و او ساختنوش -
 و ایزدیم و آئیم ما ذکر کرده و منظور شده که به اشور رشت پسر بران نزدیک

۱۵ بندگات . ات ۳۲ «

بودند و از سخاط پاکدامنی و پارسائی و بزرگ منشی از سایر سپه روان برتری داشتند، در بین این سه گروه نیز بر تریب خود مانیان و خویشان بر زشت بیشتر نزدیک بوده و مورد اعتماد و اطمینان او قرار گرفته بودند و بعد از آنها همکاران یاران متعارف داشتند . اعضای انجمن نخب با ویا انجمن برادری اشو زشت را نیز افراد سه گروه مذکور تشکیل میدادند زیرا آنها افرادی از خود گذشته و نسبت به سپه روانان بودند البته میتوان واژه ختوش *xraetush* را با شخاص سکی منجمن با اراده ای بسیار قوی نیز ترجمه کرد .

خودمانی یا خویشان گروهی بودند که از هر سخاط شایستگی داشتند و بیشتر پیغمبر نزد بودند البته نه از نقطه نظر حیوانی بلکه از نظر دانش و بینش و پارسائی و پرستشکاری و راستی و درستی مورد احترام و اعتماد و زشت بودند، این گروه افرادی بودند که در راه گسترش دین حاضر فدا می جان خویش بودند .

بند ۲

ابورامزدا، خداوند جان و خرد که از روی حکمت و دانش بر جهان سروری میکند در پر تو شهر یاری خویش با نماند چنین پاسخ داد :- آرمیتی پاک و مقدس را که با شما

۱۵. نظریه کرده یا داشته در بند اول میباشد .

۱۶. مظهر ایمان و ندادکاری و سندی

«انهدکات. ۱۰ ات ۳۲»

تابناک دست نزدیک است برای شما بگریه ایم. بگوشید همیشه او را از آن خود بسازید.

بند ۳

ای کمران بت پرست شما همه از بار و ترا دسیه دلان و گرنشاند، کسانیکه
از شما پیروی کرده و شما زیاد از حد احترام گذارند نیز از تبه کاران شما آیند.
کردار فحیلانه دریا کارهای شما از دروغ و خود ستانی سرچشمه گرفته است. این
در سر سرگستی بیدنامی شناخته شده اید و مورد تفرم مردم میبایستید.

بند ۴

ای بت پرستان شما اندیشه مردم را چنان پریشان ساخته اید که آنها کربشترین
گناه کردند، از اندیشه پاک دوری جویند، از اراده خداوند خرد سپی نمایند و از این سگی
و پاکی گریزان باشند و سرانجام از دوستان و یاران دیوان بشمار آیند.

بند ۵

ای دیوانها! همانطور که اهرمن نابکار با اندیشه پلید خود شما را کمراه ساخت و با آموزش
نادست و نوید سروری و بزرگی بر او همان دروغ را بگردار زشت و ناپسند و آوار ساخت
همان گونه شما نیز مردم را کمراه ساخته و از زندگی کامل و خوشبختی جادو دانی محروم ساختید.

۱۰. منظور روح ایمان و خداکاری است. ۱۱. در اینجا منظور آرزوکاران و پشیمانان کیش بت پرستی هستند.

بند ۶

شخص گناہکار و گمراه ممکن است چندی با کردار زشت خویش شهرت و آوازه ای بدست آورد ولی ای هستی بخش، تو از روی غرور و حکمت خویش همه چیز را بیاورداری و نسبت با غیره کس داری خواهی کرد. ای خداوند غرور برستی سرانجام با برقراری سروری آسانی تو آئین جادوئی آشاورستی همه جا حکمفرما خواهد گشت.

بند ۷

هیچکدام از این گناهکاران از مفهوم مشرفیت واقعی که در اثر کار و کوشش حاصل و بزرگی به انسان می آموزد آگاه نیستند و از آزمایش آتشین بی خبرند. ای هستی بخش داناستها تو از فرجام گناهکاران آگاهی و درباره آنها و ادوی خواهی کرد.

بند ۸

جسد پسر و یونگمان یکی از آن گناهکاران شناخته شده است زیرا برای جلب سبب مردم و ارضای نفس خویش خداوند جهان را خوار شمرد، ای خداوند خسرود من نسبت به ادوی تو در روز واپسین در مورد گناهکاران ضایعیت کامل دارم.

بند ۹

آموزگار کج اندیش تعالیم ندهی را تحریف کرده با آموزشهای نادرست خود انسان را گمراه

۱۰- پکار با فساد و انکار پدید و متعابد با همسواریهایی زندگی آزمایشی است آتشین.

و از هدف اصلی و واقعی زندگی منحرف می‌سازد، او انسان را از توجه به سرمایه‌گرایی‌های راستی‌دستی و اندیشه پاک باز می‌دارد، اسی خداوند خرد و اسی مظهر پاک و راستی‌باستخانی که از قلب و رحم تراشید می‌کنند بر کاهستان گلگه کرده و پناه می‌جویم .

بند ۱۰

آنها با احترام بر زمین و خورشید مکرستین را بدترین گناه می‌شمارند زیرا تعلیم مذهبی را تحریف می‌کنند . آنها نیک اندیشان را بسوی دروغ و کلاه‌پوشی می‌کشاند، کشتزارها را ویران کرده و بر علیه پرهیزکاران سلاح بکار می‌بندد .

بند ۱۱

ای خداوند خرد آمان! بدکاران را بواسطه شکوه و جلال مادی بزرگ می‌شمارند، زنان و مردان شریف را از رسیدن آرزوی خود و برخورداری از نجاشی آزادی باز می‌دارند . پارسایان و راستی‌گرایان را پریشان و منحرف می‌سازند و زندگانی را فاسد و تباہ می‌کنند .

بند ۱۲

آنها با آموزش نادرست کوشش می‌کنند مردم را از انجام کار نیک و شایسته باز دارند و با کتاف فریبنده مردم را همراه ساخته زندگانی آنها را تباہ سازند آنان در اثر کج اندیشی گروهی

۱۰۱. اشاره به آموزگارانی کج اندیش و همراه کننده است .

درنده‌ای چون گرگها و کربان‌ها را بر استان و پاکان برتری داده و برای پوخواهان دروغ
آرزوی سروری میکنند ولی مزد خداوند خرد برای آنان کفر نخبی مقرر داشته است .

بند ۱۳

قدرتی که این گرگان عریص (یعنی کرها) در راه تبه‌کاری و کج اندیشی بست یادند
سرانجام موجب بدبختی و تباهی زندگی خود آنها خواهد گشت .
ای خداوند خرد آنگاه همین گرگان آزند بایل شدید آرزوی پیام مقدس پیام آور ترا
خواهند داشت ، پیام آوری که نیکان و پاکان را در برابر تهدید دشمنان حفظ خواهد کرد .

بند ۱۴

دیربازی است که گرگهای آزند با کت کادی با اندیشه و نیروی خود را برای پیام
اندختن پیام آور تو متمرکز ساخته اند . آنان از پوخواهان دروغ و کربان یاری جویند و برای
جهان آفرینش فساد و تباهی آرزو کنند بدین امید که سکت نا پذیر آنها را یاری خواهد کرد .

بند ۱۵

برآستی کومی ها و کربان ها سرانجام بست همان کسانی که از آنها سلب آزار

۱- دشمنان زرتشت فرمان روایی که حاضر بشیندن سخنان ستمین و انانم بخش پسر بران بودند و بکک BREHMA
سی و دوازدهوی زرتشت هستند . ۲- اشاره بر ایندوهم است که با صفت سکت نا پذیری توصیف شده است . این
ایزد طرف توجه دروغ پرستان بود است . ۳- کومی و کربان در اینجا مفهوم سلان بزرگان دیرینا آمده و
و بجایانی اطلاق شده است که در دیدن و شنیدن حقیقت هم آگور و گره هستند .

کرده اند، سگت خورده و تباہ خواهند گشت و آنان که از نعمت آزادی محروم بوده اند در ترو و خویش
ایزدی (کمال و جادو دانی) از سرمایِ منیش پان یا هشت بهره خواهند برد.

بند ۱۶

براستی آموزش واقعی و خردمندانه شخص پارسا بهتر از هر چیز است، ای خداوند خرد و هستی بخش
ترا توانائی بر هم زدن نقشه کمانی است که مرا به آزار تهدید نکنند، من کوشش میکنم نفرت و دشمنی
هوخواهان دروغ را نسبت به پیران و دل باحقان تو باز دارم.



اهنوکات هات ۳۳ - بند ۱

هر کس در این جهان باید برابر آئین ازلی و آشا، یاراشی که بنیاد زندگی را تشکیل میدهد
زغار کند زیرا تو یار رهبر روحانی با کمال بی نظری و از روی وجدان نسبت به نیکان بدان داده
خواهد کرد و کردار نیک زشت آثار ابادت خواهد بخشید.

بند ۲

کسی که با اندیشه و گفتار و کردار و با بازوان خویش با بدکاران پکار کند نقشه اسرار
مقیم سازد و یا آنان را براه راست رهبری کند بدستی چنین شخصی خواست پروردگار را انجام
داده و بخداوند جان و خرد عشق میوزد.

بند ۳

ای خدای هستی بخش، کسیکه بیچکان، پاکان خواه از گروه خودمانی و بهکار و خواه دوست
با مروداد رفتار کند و کسی که از آفرینش نیک پروردگار بگذرد و نماید، بر اوستی چنین شخصی از
کشور خرم راستی و نیش پاک یعنی بشت برخوردار خواهد شد.

بند ۴

ای خداوند خرد ترا پرستش کرده و آرزو دارم بی ایمانی و بماندیشی از بندگان نیک
تو دور گردد. همچنین آرزو دارم از خودمانی تا خیره سری و کج خیالی، از بهکار فریب دشمنی
نزدیکان و از دوست نامسز اکویان و کوهش کنندگان از پنهان جهان هستی رهبر دروغ پرداز
و فریبکار دور گردد.

بند ۵

برای رسیدن آرزومان و هدف خویش سر و شس بزرگترین یاد و نارا بکجک علمی طلبم
آرزو دارم از زندگانی دراز برخوردار و بشور نیش پاک در آیم. با بکک راستی و پاک و پیوند
راه پارسانی بجایگای که ملکوت آسمانی اهورا فردا است راه یابم.

بند ۶

پروردگار چون پرستنده پرهنر کاری که بر اوستی پاکانی ایمانی استوار دارد تا تمام جوک

«ابنودکات - بات ۲۳»

روح پاک ترامی ستایم و از اندیشه حکمت بارت خواستارم مأموریت ارشاد و سببری را چنانکه
اراده توست انجام دهم . ای خداوند جان و خرد آرزو دارم بیدار و شورت باتو (مانند یک دوست)
نایل آیم .

بند ۷

ای از همه بستر و ای خداوند خرد بسوی من آید و خودتان را بمن آشکار سازید تا در تپ
راستی و منش پاک گذشته از انجمن منغان دیگران هم سخنانم گوش فرادهند .
پروردگارا ما را از تکالیف بسته و احترامات شایسته و درخور خویش با یکایان روشن ساز .

بند ۸

پروردگارا هدف نمائی و مأموریتیم را بخوبی بمن نشان ده تا در تو اندیشه پاک آن انجام
دهم و ستایش ترا ای خداوند خرد بجای آرم . پروردگارا سر و دستایم را که از روی راستی
و قلبی پاک تراوش میکند پذیر و نجاشیسانی و جاودانی را بمن ارزانی فرما .

بند ۹

ای خداوند خرد این دو نیروی بزرگ^{۱۱} افزاینده راستی و پاکی را که از آن تست تنها با
خرد و دانش و فروغ بصیرت و منش پرست توان آورد . بشود که در پر تو بهترین منش از نجاشی

۱۱- منظور از این دو نیروی بزرگ رسانی و جاودانی است که در بند پیش بیان اشاره شده است .

«بندوکات. ۱۰۲»

این دو نیروی همکار و یگان بر خوردار گردیم .

بند ۱۰

ای خداوند خرد آسایش و خوشیهای زندگی که بوده و هست دخواهد بود همه از توست .
 پروردگار از روی مهر و کرم خویش آنها را با ما ارزانی دار و در پرورش پاک و نیروی درستی در
 ما را با جوشختی جاودانی بهم قرین ساز .

بند ۱۱

ای اهورا مزدا ای توانا تر از همه با آریشتی مظهر ایمان و فداکاری، آشا یا راستی یا
 آبا و کسنده جهان، و بون «مظراندیشه پاک و محبت، دشترا» مظهر نیروی معنوی و
 اقتدار ملکوتی، بمن گوش فرا دهید و در آن روزی که بر یک پادشاه کردار خشنه بمن
 مهربان باشید و آمرزش خود را از من دریغ نکنید .

بند ۱۲

ای اهورا «ای خدای هستی بخش» خودت را بر من آشکار ساز و در تو ایمان
 و فداکاری بمن نیروی معنوی بخش ، ای خداوند خرد بیاری پاکترین روح «روح القدس»
 خود پرستم را با نیکویی با پادشاه ده . بیاری راستی و پاکی مرا از نیروی بسیار بخردا

«انهدکات. ۱۳۳»

ساز و در پرتو و بوسن یا خرد و منش پاک سردی در سبزی مردم را من بخش

سند ۱۳

ای پروردگار تیرمین! برای بر خو، داری از شادمانی و خوشبختی بخشایش بمانند را
 من بنا. ای هستی بخش، بخشایشی را که از خشترا «مطر قدرت و ملکوت آسمانی تو» و
 و بوسن «مطر منش پاک و محبت همبوع» سرچشمه می گیر و من از زانی دار. ای از منستی
 «ای مطر عشق و بردباری و ایمان بخدا»، بوسید راستی دلها می مارا روشن ساز تا نفس واقعی
 و ضمیر باطنی خود را درک نمایم.

سند ۱۴

ز زشت همه جسم و جان خود را با برگزیده ترین منش پاک خود چون پیشگی بی ارزش
 بخدا و خرد نیاز میکند و با فرمانبرداری از دستورات الهی و سرسپردگی کردار و گفتار همه
 نیروی خود را به اشا ارمان می آورد!

۱۱- آگاه از آینه دور

۱۲- منظور آن است که زشت با تمام نیرو و سرسپردگی کردار و گفتار خود را با راستی خواهد آراست

و در راه راستی جان خود را فدا خواهد نمود.

«انہودکات» ھاٹ ۳۴ - بند ۱

ای فردا، رفتار و گھارتیک و پریش بی ریالی کہ در تو آہنا مردم از بخشایش جاودا
دپارسانی و نیروی معنوی و رسانی برخوردار میگردد و نہ ہندہ را سخت تو ای خداوند پریش
پیشیں سینما یم .

بند ۲

پروردگار مردنیک اندیش و پارسانی کہ روانش باراستی ہمگام است، تنہا تو
می اندیشد و کردار نیک خود را بنیاد میکند، ای ہورامزدا بشود کہ نیایش کُمان نرسود
سائیش کو یا تو نزدیک شویم .

بند ۳

ای خدای ہستی بخش با کمال احترام آنچه در خور و سزاوار تو و آشا منظرہ اپستی
پاکی است بجایا دریم . بشود کہ ہمہ جہانیاں در پر تو منش پاک و در کشور «جاودالی تو»، برسانی
رسند، ای خداوند خرد برآستی مردانا و روشن بین ہمارہ از نیروی معنوی برخوردار میباشند .

بند ۴

ای خدای ہستی بخش، ما فروع توانا می تو را کہ در پر تو را پستی فروزان است خواهیم .

۱۰ کار خود را با نام تو و با توکل تو انجام میدہد .

”ابن دکات - ات ۳۳“

آن شعله فروزانی که ابدی و نیر و منداست و پیر و ان راستی را آشکارا از منموان گشته یار
می بخشد . ای خداوند خرد همین شعله فروزانت که پلیدی نهفته در نهاد بدخواهان اما آشکار سازد .

بند ۵

پروردگارا چه شکر فاست نیر و توئی ! چقدر آرزو دارم ای خداوند خرد که بگردا
نیک و خدمت به بشر و در پر تو راستی و منش پاک و دستگیری از در سنگان و بیچارگان تو
پیویدم . پروردگارا تو را برتر از همه میدانم و مخالف خدایان در ضمن و تباهاکاران میباشم .

بند ۶

ای خداوند خرد ، ای مظهر راستی و روشندلی ، چون برستی تو را حسین « بر تو بالا
از همه » شناختم پس آرزو مندم در سراسر دوران زندگی مرا هر سنمانی کنی تا با صمیم قلب این
کال تو را ستایش و نیایش کرده و بویت باز کردم .

بند ۷

ای مزدا ، کجا نیت شایکران با وفائی که در پر تو منیش پاک و آگاه ای ز امورش های
پراج آمین به سنگام پنجی و سختی از تو روی بر تانند و با هوش و درایت آن آموزش ناراکا
بند و در گسترش پیک مقدس تو بگوشند . پروردگارا کسی دیگر را جز تو نمی شناسم و
خواستارم ما را در پر تو راستی یاور و پناه باشی .

بند ۸

«انزوات. ات ۲۴»

برای دروغ پرستان با کردار رشت خویش ما را بر اسان سازند، چونکه آنان تباهی و
ویرانی بر مردم آورند و نیروندانشان بر ناتوانان ستم روا دارند - ای خداوند خردآنان
با من معذپس تو «یعنی قانون آشا» توجهی مکرده همیشه از راستی روگرداند و منیش
پاک از آسنا گریزان است؛

بند ۹

ای مزد اکنانی که بازشت کرداری و سخبری از منیش پاک فرزدگان پست آریستی^{۱۰}
را که نزد بگردان گرامی است خوار شمرند از آنان راستی دور خواهد ماند چنانکه تبه کاران با
مآیلات پلید شیطانی خویش از ما دوری جویند .

بند ۱۰

مرد خسته دمنده با آگاهی از اینکه عشق و ایمان بجزا سرچشمه و قوی راستی است گمراه
درشتکاران را به پرورش منش پاک و انجام کار نیک و مهرورزی بدگیران اندرز خواهد داد
و سرانجام ای خداوند جان و خرد همه ز شکر داران با آگاهی از حقیقت بسوی تو خواهند آمد .

۱۰ - منش پاک از آنان گریزان است، منظور اشخاص عاقل و نیک اندیش است که از دروغ پرستان گریزانند .

۱۱ - عشق و فداکاری و ایمان و فدایی از فرزدگان آریستی میباشد .

«ایهدکات ات ۲۴»

بند ۱۱

پروردگار را دوستش رسانی و جاودانی مردم را بفرغِ معنوی و روشن درونی خواه
 رسانید. در پی تو نیروی اراده، منش پاک، راستی و پاکی، عشق و ایمان بخدا، زهد گامی
 پایدار و نیروی معنوی افزایش خواهد یافت. اسی خداوند خرد در بر تو این فرزگان
 دشمنان فیروزی توان یافت.

بند ۱۲

پروردگار را کدومت آیینِ پشیرت چیست اراده تو؟ چه نیایش و پرستشی سزاوار
 توست؟ اسی خداوند خرد آرزای آسکارا بما بنامی تا با پیروی از دستورات تو از پاداشی که
 نوید داده شده است بهره مند گردیم. پروردگار را در پی تو راستی راه پاک نشی و خودت را
 با بیاموز.

بند ۱۳

اسی خدای هستی بخش راهی که بمن نشان دادی راه نیک نشی است، راهی
 که بر بنامی آموزش سوشانت؛ «سود رسانندگان و نجات دهندگان»، قرار گرفته است.
 آموزشی که توصیه میکند هر کار نیکی که بمنظور انجام کار و در پی تو راستی انجام شود
 شادمانی بیار خواهد آورد، آموزشی که انسان را بخرد و دانش واقعی برپری میکند پاداش

«ابھودکات۔ ات ۳۴»

آن رسیدن بہت اسی خداوندِ خرد .

بند ۱۴

اسی خداوندِ خرد کسانلی از آن پادشک کہ ان بہا کہ نوید داده شدہ بہرہ مند خواہرڈ
کہ کار از روی خرد و منش پاک انجام دہند ، برای مشرف و آبادانی جہان کوشش نمایند
خواست خداوند ہستی بخش را بر آوردہ سازند و در پرورستی و پاکی دہ مشرف ارادہ الہی
کوشا باشند .

بند ۱۵

اسی خداوندِ خرد مرا از بہترین گفتار و کردار بیاکامان تا در تو این امور بخش بادید
روشن و قلبی پاک تاسیت را بجای آورم . اسی ہستی بخش بزرگ بانیروی خویش چنان
کہ از کین مذکی نوین و سرشار از راستی بہرہ مند کردم .



«اشهورکات» هات ۲۳ یسا بند ۱

مردا اهورانی که فرمانروای مطلق است چنین مقرر فرموده: خوشبختی از آن کسی است که دیگران را خوشبخت سازد. پروردگارا برای استوار ماندن بامین راستی از تو نریزی تن دروان را خواستارم. ای آریشتی، ای منظر ایمان و محبت، آن پر تو ایزدی که پاداش زندگانی سراسرنیک منشی است بن ارزانی دار.

بند ۲

براستی چنین کسی از بهترین نجاشی ایزدی برخوردار خواهد شد. کسی را که آرزوی رسیدن است و برای رسیدن بآن تلاش میکند، ای مزدادر پر تو خرد مقدس و آگاه خویش بدور دنیا درون ارزانی دار. پروردگارا در پر تو آشا «قانون ازلی راستی و پاکی»، مارا از حکمت و دانش که از نجاشی و هوس است برخوردار ساز تا طی زندگانی در از ازشادی و سرور بهره مند گردیم.

بند ۳

براستی کسی از بهترین نیکی برخوردار خواهد شد که در جهان مادی راه راستی و خوشبختی با آموزد و در جهان مینوی مارا استکار سازد. راهی که مارا بجهان حقیقت و راستی آبخاکه بارگاه قدس است رهبری کند. ای مزدایشیفنگان حقیقت و دلدادگان تو در پر تو خرد و

۱- اشاره کبی است که دیگران را خوشبخت سازد در بند اول هر بحث در گرفت

۲- بهترین نیکی، منظور بهترین نجاشی ایزدی است. ۶۲

بشتر دکات ات ۴۳»

تقدس سر انجام تو خواهند پوست .

بند ۴

ای مزدا بهنگامی ترا نیر و مند و پاک خواهیم ساخت که در تو توانانی ات آرزوهای ما
بر آورده شود و هوای انسان را پستی و ذرفغ هرد و سپادش و کفر مقرر رسند، آنگاه که ذرفغ
تو در تبلم بدرشد و گرمی بنجد و نم نیروی راستی را احساس کرده اندیشه پاک با تمام
توان بمن روی خواهد آورد .

بند ۵

ای مزدا اهورا، خداوند جان و خرد، آنگاه تو را پاک و صدش شناختم که ترا سر آغاز
زندگی و ازلی میستم، زمانی که برای اندیشه و گفتار و کردار نیک پاداش معین فرمودی
و در تو خرد و حکمت خویش مقرر داشتی که بدی از برای بدان و نیکی از برای نیکیان خواهد بود
و این امر تا روز واپسین و پایان هستی ادامه خواهد داشت .

بند ۶

ای مزدا در آن زمان که خرد پاک تو، خسترا و و هومن بسوی ما آیند، آنگاه جهان
هستی بسوی راستی و درستی پیشرفت خواهد کرد و نوشته آرمیستی نور محبت و ایمان با در دل
را در مردان روشن کرده آنان را بسوی حقیقت رسیبری خواهند نمود و یسچکس را یا رایی و نفقین پر کاد

«شتر دگات - ات ۲۳»

مطر خرد و حکمت نخواهد بود .

بند ۷

آنگاه ای مزدا اهورا ترا پاک و مقدس شناختم که اندیشه پاک بمن روی آورد و از من پرسید
کیتی؟ و از کدام خاندانی؟ هنگام تردید و دودلی چه راهی را بر خواهی گزید؟ راهی که بزرگ
برادران و نزدیکان توست و یا آنکه بود خودت می باشد .

بند ۸

آنگاه چنین پاسخ دادم: من زرتشت دشمن سر سخت فروغ و در و گلویمان هستم و تا
آنجا که مرا نبرد و توان است با آنها پیکار خواهم کرد ولی با تمام قدرت یا در پشتیبان نیکنان
در سگداران خواهم بود . پروردگارا بشود که از نیروی معنوی و بکلانت برخوردار گردم همیشه
سر سپرده و تسلیگر تو باشم ای مزدا

بند ۹

ای خداوند جان و خرد آنگاه ترا پاک و مقدس شناختم که منس پاک بمن روی آورد و در حقیقت
و معرفت تعلیم راه یافت . پرسیدم چه کسی را خواستاری پیش از همه مورد نماز و ستایش
قرار گیرد «خود چنین پاسخ گفتم، تا زمانی که مرا نبرد و توان است فروغ تا بانک و معنوی تو را ای مزدا

۱۱. پرسش کردن اشر زرتشت از زوین منظر برتری حقایق با دیده روشن بین اندیشه طرف و یکطاست .

۱۲. فروغ تا بانک و معنوی منظر فروغ ایمان بخدا می باشد .

«اشتهادگات . ات ۴۲»

می ستایم و باین راستی دل خواهیم بست .

بند ۱۰

پروردگارا مرا بسوی راستی و پکی که نهایت آرزوی من است رهبری کن تا بسوی از
آزمیستی ، منظر ایمان و محبت ، برسائی نایل آیم . پروردگارا اکنون بار بار ایازمای تا ایمان خود
بثبوت رسانیم . آزمایش های تو چنان است که با انسان نیروی مغوی خود بخشید ، بویژه
رهبرانی که از سوی تو ای مزد الهام گرفته اند با نیرو و شجاعت مردم را راهنمایی کرده و شجاعت
تو را انجام خواهند داد .

بند ۱۱

ای خداوند جان و خرد ، آنگاه تو را پاک و مستطس شناختم که منس نیک بمن بروی
آورد و در تو سخنان الهام بخش تو بصیرت بنیش یافتم . هر چند در یاقه ام که ایجاد ایمان
در دل مردم کاست بس فشار ، ولی پروردگارا من آنچه را که از دیدگاه تو بهترین کار ساخته
شده است با کوشش و فداکاری انجام خواهم داد .

بند ۱۲

آنگاه که بمن فرمودی : « بادانش کمال از راه پستی بسوی کن » بنحی گفتمی که خواسته
« قلبی من بود ، من کوشش خواهم کرد تا فرشته سروش « یاندای وجدان » را در درونم بسید

۱۱. آزمایش منظر عقل منی او ، بسوار بهای زندگی است که زرش با آن روبرو بود .

«اشتهوگات - ات ۴۳»

کرده، تبسم را از پر تو ایزدی روشن سازم و باین حقیقت آگاهی حاصل کنم که هر کس از گروه
نیکان و بدان آنچه را سزاوار است بدو پاداش بخشیده خواهد شد

بند ۱۳

ای خداوند جان و خرد، آنگاه ترا پاک و مقدس جشنم که منش پاک بمن رو آورد
نور حقیقت و معرفت بقلبم راه یافت. پروردگار برای رسیدن بغایت آمان آرزوی
خویش زندگانی در زمین ارزانی دار، آن چیزی که جز تو کسی دیگر را یاری بخشیدن
نیست آن زندگانی مطلوب آرزو شده که سرشار از خدمت بهمنوع و فعالیت برای پیشرفت
جهانیان بوده و بهشتی تو بگی دارد.

بند ۱۴

ای مرزا آن سان که مردد و توانائی بد دست خود مهربانی کرده و در ارادش
می بخشد، به پیروانم شادی فزون از اندازه بخش آن شادی و سروری که در پر تو راستی
بدست آید و در قدرت شریاری نشت. پروردگار امن از آئین راستی و همه کسانی که
پیام آور آسمانی ترا می سرانید پشتیبانی خواهم کرد.

۱۱. منظور از خشتی قدرت جهانی و نیروی اراده و صفت در راه انجام خدمت مردم و فعالیت برای آبادانی
و پیشرفت جهان میباشد خشت را مفهوم ستلا بر نفس و چیرگی بر ایال و پس نیز میباشد.

بند ۱۵

«اشتردهات-۴۳»

ای خداوند جان و فرود آنگاه ترا پاک و مقدس شناختم که منش پاک بمن روی آورد و نور
 حقیقت و معرفت بقلوبم راه یافت. آنگاه دریافتم که اندیشه آرام و ژرف بهترین وسیله کسب دانش
 و نیش مغنوی است و هیچ رهبری شایسته نیست با هوای امان دروغ از در آشتی درآید زیرا
 آمان پرهنر کاران و در دستگرداران را دشمن همشگی خود پندارند.

بند ۱۶

ای خداوند جان و فرود ز رشت برای خویش پاکترین فرود را بنظر راهسماگرزید بشود که
 راستی و درستی زندگانی مادی ما را نسیر و مند سازد. بشود که نیروی مغنوی با نور ایمان و محبت
 چون پرتو درخشان نور شید قلوب را روشن سازد. پروردگار را بجانیکه در پرتو منش پاک و عقل خود
 کاری انجام میدهند پاداش بخش.

هاتف ۴۳ - بند ۱

«اشتردهات»

ای همی بخش کنایا ، با فزونی از تو پریشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .
 آیا پرستش تو را چگونه باید بجای آورد ؟ ای مزدا قلب من از صحرای لبریز است ، بگذار کسی که
 ترا خوب میشناسد راه دست را بمن نشان دهد . پروردگار باشد که در پرتو راستی و درستی
 از یاری تو برخوردار گشته و دیده دلمان از نور پاک منشی و ژرف بینی روشن گردد .

. استوگات - ات ۴۴

بند ۸

ای هستی بخش تیا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی .
تا بتوانم ای مزدا در مورد آنچه که از سوی تو الهام شده است بیاذیم . پروردگارا ، خواستارم
در پرورش نیک ، آموزش های ترا درک نمایم و در پرورستی و پاکیزگی از زانی در
زندگی برخوردار گردم . پروردگارا ، چگونه و با انجام چه نیکی های روانم زشادی و آرامش
ببره من خواهد شد .

بند ۹

ای هستی بخش تیا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی .
چگونه وجود خود را در بست در انجام خدمت مقدس با تمام نیرو و توان تو نشان کنم ؟ این حقیقت را
و انش دین بمن بیاموزد . ای مزدا ، فدائی تو در پرورستی و نش پاک ، و خدمت بوم
با تمام نیرو و سر انجام در جایگاه تو یعنی بهشت ما و خواهد گردید .

بند ۱۰

ای هستی بخش تیا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی .
پروردگارا ، از این الهام بخش خود که برای مردم جهان بهترین موهبت است مرا آگاه ساز ،
آئینی که بار اوستی به کام بوده و به شرفت جهان هستی بگشاید . پروردگارا ، آرزوی من یا

«بشتر، گات. ۱۰. ات ۲۲»
 نورایمان را در قلبمان روشن باز تا در پر تو آن کارهای مابوسی رستی و درستی کراش پیدا
 کند. ای مزد ما را بدایت فرما تا خواست آرزوی نهانی ما رسیدن تو باشد.

بند ۱۱

ای هستی بخش تجا ، پرشی از تو دارم و خواست ما حقیقت را بر من آشکار سازی .
 چگونه ایمان بخدا و نرم خوئی و محیر و رزی در قلب کسانی که آئین الهام بخش تو برایشان اظهار
 شده است جای خواهد گرفت ، پروردگار ایدانم که تو مرا برای انجام این کار بزرگ بعنوان
 نخستین آموزگار برگزیده ای . بنابراین تنه کسانی که ترا فرمانبردارند از دوستان و
 دیگران را دشمن خواهیم شمرد .

بند ۱۲

ای هستی بخش تجا ، پرشی از تو دارم و خواست ما حقیقت را بر من آشکار سازی .
 آیا کدام یک از طرفین راستی یا دروغ روی آورم ؟ آیا با هوای امان دروغ که سینه کارند
 گهلو کنم یا کسانی که از بدکاران بچ میزند ؟ آیا دروغ پرستانی که بجایش کرا انجایی
 ترا خاوری شمارند اندیشه و قلب آنها را یساهی دروغ ورستی فرا گرفته است ؟

بند ۱۳

ای هستی بخش تجا ، از تو پرشی دارم و خواست ما حقیقت را بر من آشکار سازی

«اشتهدکات. ات ۴۴»

چگونه باید دیو دوزخ را از خود برانیم؟ پروردگارا از اشخاص بی دین ایمان دوری خواهیم کرد.
 و از کسانی که پیوند خود را با راستی و خرد گسته و نسبت بمنش نیک و لبشکی نشان نمیدهند و کوششی
 در راه کرایش به این فرزندگان دیره نمینمایند پهنه رخوایم کرد.

بند ۱۴

ای هستی بخش کجا ، از تو پرستی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی.
 چگونه باید در دوزخ را بدست راستی سپرد تا با آموزش کلام آسمانی روحش از آلودگی پاک گردد.
 ای مزدا با وادار ساختن شکست کمال به هواداران دوزخ و تباهاکاران، فریب و نفرت
 آنها را از زمین برده بی اثر خواهیم ساخت .

بند ۱۵

ای هستی بخش کجا ، از تو پرستی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی.
 پروردگارا بر اوستی تو توانا هستی که در پرتو آشامرا از گزند فریبکاران و نفرت دوزخویان بگذرد
 فرمانی، هنگامی که دوسپاه دشمن در برابر یکدیگر صفا رانی کرده و بهم می تازند، آنگاه ای
 مزدا برابر قانون ایزدی، کدام یک از دو گروه «مزداپرستان و هواداران دوزخ»،
 و در کجا از فیروزی برخوردار خواهند شد .

استودکات: ۲۲

بند ۱۶

ای هستی بخش کتیا . از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .
 کیت آن شخص دلیر و فیروز مندی که در پرتو آموزشهای ایزدی ما را پناه بخشد؟ پروردگارا
 از راه الهام رهبر دانا و درمان بخش زندگی را بمن نشان ده و اورا با «سروش»
 روح فرمانبرداری از دستپور ایزدی و روشن ضمیری برخوردار ساز. پروردگارا این
 دو بخش بزرگ را هر کس که دوست داری ارزانی فرما .

بند ۱۷

ای هستی بخش کتیا . از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .
 ای مرزا چگونه بار آسمانی تو بحدف آماج خویش که پوین تو و کی شدن با مشوق است
 دست خواهم یافت؟ پروردگارا، کی با گفتار شیوا و نوثره در پرتو آشا و پیام آسان
 تو که بهترین را بنماست مردم را بسوی رسانی و جاودانی رهبری خواهم کرد.

بند ۱۸

ای هستی بخش کتیا . از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .

«اشتموکات - ۱۰۴»

چگونه «پرتوآشا» راستی و پائی «پاداش» و خواه را که عبارت از تسلط بر دهه مادیان است
بایزوی اب اندیشه است بست خواهیم آورد و بروشنائی حقیقی و سرمدی خواهیم رسید.
ای مزدازرسی و جادوانی کی بر خوردار خواهیم شد تا بهر دو بخش بزرگ را برای رستگاری
مردم جهان ارمغان دهیم.

بند ۱۹

ای ستمی بخشگیا ، از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی.
پروردگار را بخامد شخص نیازمند در آستانه بجای حکمت پاداش از تو انکاران پانچ سرده مشنود
چه سزائی برای اینگونه افعال کاران مقرر فرموده ای؟ من از کفری که برابر آئین
ایزوی پس از مرگ و در روز واپسین در انتظار آناست بخوبی آگاهم.

بند ۲۰

ای مزدازرتو میسر هم چطور امکان دارد دیوان از شهریاران نیک باشند.

۱۰ - در این بند واژه های مانند دیوان اسب و شتر بکار رفته است که زرتشت بعنوان پادشاه خداوند آرزو کرده است.
گرچه واژه های که در تصویر ظاهر معنی حیوانات را میدهد ولی در باطن رمزینی است که دارای مفاهیم عرفانی و معنوی میباشند
صفت حواس و هکانه شنوائی، بینائی، چشائی، بویائی، لمس کردن، توانائی، پویائی، کلا آئی، فهمیدن جادو یا
تشبیه شده اند که انسان را بر نگاه پنجگی و چهارگی میخاند و تنها اسب نر و اندیشه است که سینه اندام دیوان ای حواس را بنا
کرده و بر آناست طپید کند و به آستر یا روشنائی حقیقی و سرمدی دست یابد و نور حقیقت را بعنوان پاداش دریافت کند.

بش... نکات: ۴۴

کسانی که برای ارضای بوس نامی خویش و انجام مقاصد خود خوابانه میخکندند و با کمک کرمان
و کاویان و او شیخ جهان را بهت خشم و نفرت سپرده و جهانیان را بناله و فغان میآوردند.
آیا اینها بیچگاه کوشی خواهند کرد تا در پرتو راستی و درستی موجب مشرفیت و آبادانی
جهان گردند و آشتی و آرامش را برقرار سازند و گمشده‌ها را بیابند.

بش... نکات: ۴۵ - بند ۱

ای کسانی که از دور و نزدیک برای آگاه شدن آمده‌اید، من اکنون برایتان سخن میگویم
گفت گوش فرا دهید و بشنوید حقایق روشنی را که برای شما میآموزم، با دقت بخاطر بسپارید
سبا و ابار دیگر آموزگار بدخواه زندگانی مردم را تباه سازد و دروغ پرست با کج آموزی
خویش آنان را همراه نماید.

بند ۲

اکنون درباره دو سنیو یاده گوهری که در آغاز زندگانی وجود داشتند سخن میگویم
گفت از این دو گوهر آن یکی که پاک و متعصب بود بهمهزاد خویش گوهر پلید چنین گفت:
بیچگاه اندیشه و آموزش اراده و ایمان گفتار و کردار و وجدان با یکدیگر سازش نداشته

۱. کاویان و کرمان و او شیخ از گروه مخالفین سرسخت اشوزشت و پیروان دینی دروغ پرستان بودند.

«استودکات - ات ۲۵»
 دارهم جدا بسند .

بند ۳

الآن از حقایق و اصول آئین زندگی آن چنانکه هستی بخش دانا من آموخت آشکار
 خواهیم ساخت . کسانیکه کلام معده پس مزد را بکار نیندند و چنانکه من آموخته ام سرپیچند،
 پایان زندگی آنها پشیمانی و آه و افسوس خواهد بود .

بند ۴

الآن ز بهترین بدف آمان زندگی سخن خواهیم گفت و حقیقتی را که در پرتو آسایش در ایام
 بیان خواهیم داشت و آن اینکه آئین زندگی در پرتو راستی را فرادا، خدای یکتا و دانا مقرر فرمود،
 پروردگاری که سرچشمه نیک و فعال است و ایمان و محبت دختر نیکو کار او بشمار میرود،
 هستی بخش یکتا و از همه خیر آگاه را نتوان فریفتن .

بند ۵

ایدون از سخانی که از سوی پروردگار بمن الهام شده است گهلو خواهم کرد . سخانی که
 شنیدن و بکار بستن آن در زندگی برای مردم بهترین است . کسانیکه این آموزش را با جان
 دل پذیرا شده و فرمان برند، از بخشش رسائی و جاودانی برخوردار خواهند شد، اندیشه نیک،
 آمارا با انجام کار نیک شایسته بنمون خواهد کرد و بدو سر انجام نبرایت اهورا مزدا و در سخانی

بیشتر دکات - ات ۲۵ «
حقیقی نائل خواهند شد.

بند ۶

من اکنون از کسی که بزرگتر از همه است سخن خواهم گفت. باراستی پاکي سردار ما
در توپايش راستايش ميکنيم و آرزو داريم هستي بخش تجار در تو خود متدلسخوش نيايش را
باشنود، بشود که در تو منيش پاک و محبت ايمان با دوست يابيم، پروردگار در تو خود
مرا بسوی روشنائي حقیقی «یا آنچه که بهترين است» رهبري فرما.

بند ۷

همه رستمگاری از او خواهند، چه آنکه زنده اند چه کسانی که از جهان فرست و یا
در آئینه پابعرضه وجود خواهند گذاشت، روان شخص پارسا درست کردار کامروا گشته و از بخش
جادو دانی برخوردار خواهد شد، ولی هواخواه دروغ و تبه کار از درود و عدالی که همیشه تجدید میکرد
برنج خواهد برد. این قانون را، هستي بخش دانا و تجار از توانانی خویش مقرر فرموده است.

بند ۸

چون اهورامزدا را با دیده دل دیده ام، کوشش خواهم کرد با سرودهای ستایش تو جیش را
بسوی خود جلب کنم و از آنجا که با اندیشه و گفتار و کردار نیک و در پر تو راستی و درستی دریافته ام که
اهورامزدا، هستي بخش دانا و پروردگار یکتا است. بنابراین نیایشهای قلبی و ستایش خود را

اشترکات - ات ۴۵
 بہ بارگاہ تقدیس نیارنیکنم .

بند ۹

لطف و بخشش پروردگار و دہونہن «سینس پاک»، را خواہستارم، چونکہ نجاست
 دارادہ پروردگار شادی و بچ ہر دو برای آفریدہ شدہ است، بشود کہ ہستی بخش دانا در تو
 توانائی خویش نیروی کار کردن و خدمت بہ ارزانی فرماید تا باہنس پاک و دانش مردم
 بسوی راستی و حقیقت پیشرفت دہم .

بند ۱۰

با درود و ستایش قلبی ایمانی پاک اورا بزرگ خواہم داشت، کیکہ در تو نیروی
 خویش ہستی بخش دانا و کتا و آفرید کار ہر دو جهان نامیدہ شدہ است، پروردگاری کہ در تو
 قانون ازلی و اندیشہ رسا و شہیاری خویش مردم جهان رسانی و جاودانی نوید دادہ است
 و آہنار بہ برخورداری از نیروی تن و پایداری روان امیدوار ساختہ است .

بند ۱۱

کسانی کہ بابت پرستان ہوا خواہان آہنا دشمنی درزند و بچین کسانی کہ نام
 پروردگار را بے نیکی یاد کردہ و سوشانت نامی دانا و یاوردین راستین را گرامی دارند، فرود آہوا
 با آنان چون دوستی صمیمی برادر و پدری مہربان خواہد بود و راہشان با کسانی کہ کتیا ہوا را را

خوار شمارند و از او برشتی یاد کنند کما جلد است .

«استودکات» هات ۴۶ - بند ۱

بکلام سز زمین روی آدم؟ بجز از ته پناه جویم؟ خوشیام مرا ترک گفته . و دوستانم از من روی گردانند . از همکاران کسی مرا نخرسند نمی سازد و فرمانروایان کشور نیز همگی بد بوخ کرایش یافته اند . ای هستی بخش بزرگ، چگونه خواهیم توانست با انجام ماتمویت ترا خوشودانم .

بند ۲

ای مرد امن از ناتوانی و سگدستی خود آگاهیم، زیرا خواسته کم کم، و یاران برانجام اندکند . ای هستی بخش کیتا، روی بدرگاه تو میآیم مانند دلداوه که از دلبر خویش خواستار نظر لطف و محبت و جو نشستی سردی باشد، پروردگارا در پر تو قانون ازلی اش « راستی و پاکتی » مرا از نیروی نیک اندیشی و محبت برخوردار ساز .

بند ۳

ای مردا کی سپیده دم نیک نختی بدر خواهد آمد و مردم جهان بسوی راستی پاکتی روی خواهند آورد؟ کی نجات دهندگان بشربادانش و خرد و آموزشهای تو خوش مردم را از بهری خواهند کرد؟ و هومن، مظهر اندیشه پاک بچ کسی کرایش پیدا خواهد کرد؟ ای هستی بخش

«اشتیو کات. ات ۴۶»

من تنها، ترا بعنوان آموزگار و سرور خود برگزیده ام.

بند ۴

هواخواهان دروغ کوشش دارند پارسایان و پرہیزکاران را از شیرفت بسوی ہفتما مقدس خویش یعنی راستی و درستی و آبادانی شہر و کشور باز دارند، آنها با کردار خصمانہ خود بزشتی و تباہکاری مشہور اند، ای مزدکسی کہ با تمام نیرو و وجودش بر علیہ هواخواهان دروغ پیکار کند او جهان آفرینش را براہ خود و دانش حقیقی رہبری خواهد کرد.

بند ۵

مرد دانا و توانائی کہ بنا بہ دستور یزدی یا از راه مہر و عطف انسانی خواہستار آن گنک را خواہ از ہواخواهان راستی و یاد دروغ بگرمی پذیرا شود او پرو راہ آساہودہ دزد گنیش سرشار از راستی و درستی می باشد. ای ہستی بخش دانا، او بخردی است کہ با نیروی دانش گمراہ را از تباہی و فیتی رہانیدہ و او را بخود شناسی و انگای نبین رہبری خواہد کرد.

بند ۶

ہر گاہ مرد توانا شخص تہہ کار را براہ راست ہدایت کند بدام فریب ہواخواهان دروغ خواہد افتاد. کسیکہ برای خواہان دروغ آرزوی فیروزی کند و بدنامیاری بخشد از ہواخواہان دروغ بہار خواہد رفت و کسی کہ دست کرداران را دوست داشتہ بدان ارج مند در مرہ

”استودکات-۱۰ تا ۲۶“
 پارسیان بحساب خواهد آمد. ای تپسی بخش تپا، این قانون ازلی را از زرتشتی باقی نماند برتر فرمود

بند ۷

بنگامی که برخواه دروغ بکینند و نفرت اراده آزار من کند، ای مزدا بفرزوغ میونی
 و اندیشه تو چه کسی از من پشتیبانی خواهد کرد؟ زمانی که این دو فرزند و نخواست با بیدار شده
 و با هم کار کنند ای تپسی بخش، آئین راستی تجد کمال خواهد رسید پروردگار حقیقت بر این
 آشکار و وجدانم را به این آموزش بیدار ساز.

بند ۸

کسی که اندیشه آسب سازدن به تپسی جهان را در سر پروراند، بدستی از کردارهای زشت
 او آسبسی بمن نخواهد رسید، بلکه نتیجه کردار زشت و نفرت او بخودش برخواهد گشت. کردارهای
 زشت و تبه کارانه او را از انجام کار نیک و شناخت زندگان کامل باز خواهد داشت و خشم
 نفرت بیسچو جدا را ای مزدا از زندگی کتبت باری که نصیبش خواهد کرد بیخط نخواهد نمود.

بند ۹

کیست آن را در مرد بزرگ و نخستین آموزگاری که با آموخت تنها ترا ای پروردگار شایسته ترین
 ذات موردتسایش شناسیم و ترا داد و در پاک کردار ما و سرور رپستی بدانیم؟ پروردگار ما کوشش
 خواهیم کرد که در پرتو اندیشه پاک از قانون ازلی اشاد اسرار هستی پرده برداریم و آنچه که آفریننده

«شود کات. ات ۳۶»

جهان از آئین راستی آشکار ساخته است آگاهی با بیم .

بند ۱۰

ای، پستی بخش دانا، از مرد و زن هر کس در این جهان آنچه را که تو بعنوان بستین
کار مقرر داشته‌ای بجای آرد، چنین شخصی از پادشاه «آشاد شتر» که همانا نیردی منومی و
خدمت ب مردم است و در پرتو اندیشه پاک بدست توان آرد و برخورد از خواهد کردید. پروردگارا
من بآنان خواهم آموخت که تنها ترا پرستش کنند و هنگام کم‌کردن از پل صفت آنان را
راه‌سنائی خواهم کرد.

بند ۱۱

کادین و کرپان «دیاشویان و شاهزادگان بت پرست» متحد شده و سعی میکنند با
کردار زشت و سیاه خود زندگانی منومی مردم را تباها سازند ولی هنگامی که نزدیک پل صفت
رسند از روان و وجدان خود شرمسار شده و سختی و آزار بینند و برای همیشه مجبور به زندگی در
سرای دروغ خواهند شد.

بند ۱۲

هنگامی که خویشان و نوادگان نیرد و سرفریانه تورانی بآئین راستی گردند و با عشق و

۱۱. زندگانی سرشار از راستی و پستی و پاکی و پرستشکاری ۱۲. پل صفت یا پل صراط و پل داری بین نیک و بد میباشد.

ایمان در میرفت زندگی بشرو آبادانی جهان بکشند آنگاه در تویش پاک فریانه میں نہا سگی
 وجود آورده و آئین مزدالی که نوید بخش رستگاری و خوشحالی است بر آنها آشکار خواهد گردید .

بند ۱۳

کسی که اشوزرشت اسپنمان را خوشد ساخته و او را در انجام ماموریت یاری کند
 مروی دست کردار و نیکو سیرت شناخته خواهد شد . همتی بخش دانا و یکجا بچنین شخصی بهترین
 زندگانی خواهد بخشید و پیرامون او از محبت و منش پاک سرشار خواهد شد . پروردگارا، او را
 بهکام با آشا^{۱۱} و هواخواه قانون راستی خواهیم ساخت .

بند ۱۴

ای زرشت کیت دوست در سپنکردار تو که هواخواه راستی است؟ چه کسی برای کترش
 و نجاتی انجمن برادری « منع » کوشش خواهد کرد؟ این شخص همانا گستاخ کانی نیشا
 دلیر است . ای همتی بخش دانا من پیام آسمانی ترا بر دم خواهم آمخت تا شایسته بارگاه
 تو گردیده و در سرای تو یعنی فردوس جای گزینند .

بند ۱۵

ای فرزندان هسچد^{۱۲} و اسفستان اکنون بشاخیزی را خواهم آمخت که شنیدن

۱۱. دستار راستی و پاک و هواخواه نظم و قانون . ۱۲. بچین نفر از پشت اسپنمان و نیای بزرگ اشوزرشت .

سپتدگات هات ۴۲ - بند۱

کسی که در پرتو خرد مقدس طبعی پاک اندیشه گفتار و کردارش نیک و راستی و درستی همانکند است
مردا هوربا توانائی و مهر خویش به او رسائی و جاودانی خواهد بخشید .

بند۲

کسی که در پرتو خرد مقدس به بهترین راه زندگی کند و گفتارش همراهین و از روی خرد باشد،
با دودش کارهای نیک را از روی ایمان انجام دهد، اندیشه اش تنها توجه یکبار پروردگار
خواهد بود و او را سر چشمه حق و راستی خواهد شناخت .

بند۳

پروردگارا، برستی تو سر چشمه خرد «مقدس» هستی . این زمین شادی آفرین را تو آفریدی،
بنحالی که مردم بمنش پاک روی آورده و با او شورت کنند، ای مردو تو بدناما آراش بخشی
و آرمستی «ایمان» را پشتیبان آنها قرار خواهی داد .

بند۴

ای مردو بدکارانی که از خرد مقدس روی برتابند و بخرابیند، دلی در سگردان هرگز چنین
نکنند . پروردگارا، مردم در سپتکار را اگر هم کم درآمد و نادار باشند باید گرامی داشت، دلی
هو او امان دروغ را چنانچه توانا و پرورد آمد باشند باید بخوار شمرد و از بدان بحساب آورد .

بند ۵

ای هستی بخش دانا ، نیکوکاران در تو خرد معدس تو از تیرین بخششالی که نوید داده
 شده است برخوردار خواهند شد ، ولی بهر تو شال حال بدکاران نخواهد کردید ، زیرا کردار آنها از این
 زشت سرچشمه گرفته و آسمان روشن روحان را ابرسیاه تبه کاری پوشانیده است .

بند ۶

ای هستی بخش دانا ، در تو خرد معدس آذ فردزان خویش سرنوشت دگر و گنگان
 و بدان رعین پاداش دکیفر آنها را ارزانی خواهی داشت پروردگار با افزایش فروغ
 ایمان در اوستی و پاکی جویندگان حقیقت بومی تو کرایش پیدا خواهند کرد .



سپندکات «ات ۴۸»

سراجم در روز شمار و پاداش ، هنگامی که راستی بر دروغ چیره گردد و هنگامی که پرده
 از روی ریا و فریب دوان و همدستان آنها برای همیشه برداشته شود ، آنگاه سایش ایمان
 بتو ای هستی بخش گسترش خواهد یافت و بار و بر خویشختی بار خواهد آورد .

بند ۲

پیش از اینکه کیش در اندیشه ام آغاز گردد ، ای هستی بخش تجا ، مرا از دانستی

«سپندکات - ات ۲۸»

آگاه ساز، پروردگار امر اطمینان بخش که آیا شخص پارسا و پرهیزکار برپا خواهد دروغ و دغا
فیروز خواهد کردید؟ متلاشیت تو چنانست این بزرگترین فیروزی در زندگی شمار خواهد آمد.

بند ۲

همی بخش دانا و سرچشمه کنی بهترین آموزش را بروم دانا پارسانا خواهد آخت،
آموزشی که همه پاکان دروشتندان و آموزگاران فلسفه عرفان از آن آگاهند یعنی
تهدا در تو فرود اندیشه پاک میوان ای مرد از دل باحتکان درگاه تو کردید.

بند ۳

پروردگار کسی که اندیشه اش نیک باشد، کردار و گفتار و وجدان او نیز نیک
یابدی خواهد گرانید. راهی را که اندیشه به آزادی اختیار کند اراده و ایمان نیز از آن
پیروی خواهد کرد و با آن هماهنگی خواهد داشت، بناجکت تو ای مرد اسر نوشت آنها
از هم جدا و تهایز خواهد بود.

بند ۴

ای آرمیتی گندار شهریاران شکر و بد رفتار بر حکومت کنند، بلکه بشود شهریاران
دادگر و با ایمان که دارای رفتار نیک و دانش و خرد را همنامی آنهاست برافرازوالی
کنند. ای آرمیتی، پاکیزگی برای مردم از هنگام زایش بخش خداوندی شمار میرود. مایا

«سپندکات. ات ۴۸»

برای آبادانی جان و میرفت آفرینش کار کرده و هسنوعان خود را بسوی روشانی حقیقت رهبری کنیم.

بند ۶

براستی که او «آریشی»^{۱۱} پناهگاه خوبی برای است و با پایداری تن و سیروی روان که از فرزندگان با ابرج منش پاک است خواهد بخشید. هستی بخش دانا و یکجا او «زمین» را با گیاه و سبزه بیاراست و از آغاز آفرینش برای مردم خوراک تهیه کرد. چنین است حکمت مزدا و تاپون ازلی اش.

بند ۷

خشم و نفرت را از خود دور کنید اجازه ندهید اندیشه ایان بخشونت وستم گرایش پیدا کند. منش پاک و مهر و محبت و لبگی نشان دهید، راد مردان پاک سرشت برای گسترش هستی و درستی پیوسته استوار خواهند ساخت و با خوا بان حقیقت را بسوی هستی جایگاه تو ای اهورا که منرنگه «راستان و پاکان» است رهبری خواهند کرد.

بند ۸

آرزوی من ای مزدا بر خور داری از سیروی منوی خسترای دوست! اولی خواست من برای بر خور داری کسان و پیردغم از بخشش های تو ای هستی بخش یگما بسیار زیاد تراست.

۱۱- آریشی، منظرش دایمان بخداد پاسبان زمین. ۱۲- نیروی منوی خسترای چریکی برهای منن خدمت منوح «راه پذیرفت

بشریوی کمال میباشد.

پستکات - ات ۴۸»

پروردگارا، چقدر آرزو دارم در پرتو راهپستی و پاکی خود را به جانبازان فادار و بهرخواهان راه حق
آشکار سازی تا بایاری اندیشه پاک در پیشبرد کارهای نیک کوشا باشم.

بند ۹

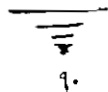
چگونه بدانم که تو ای مزدا بر همه، حتی بر آنان که قصد آزار مرا دارند شریاری میکنی. ای آشا
روش نیک اندیشی و بهر ذی را برین آشکار ساز، پروردگارا، مرا از نحوه برخورداری از نجاشی خویش
آگاه فرما، زیرا یک سوئیانت یا عمیر آسمانی باید از پاداشی که در انتظار اوست نیک آگاه گردد.

بند ۱۰

ای مزدایا نامم برای کسرتش دین اهورانی کی خواهد آمد؟ پروردگارا، پلیدی دروغ و آزار
کی از پنجه گستی بر انداخته خواهد شد؟ و سید ای که موجب میگردد کرپان های سیه کار مردم را
بفریند و شیر یاران پیشگرم با اندیشه های شوم بر کشور با حکومت کنند.

بند ۱۱

ای مزدا، راستی و پاکی همراه با عشق و ایمان بخدا کی بر سرانغان خواهند آمد و در پرتو چیرگی نفیس
توستی دایمی بارمنان خواهند آورد؟ هنگام حمد سیه کار سگ و خونخوار چه کسی در برابر آنا ایستادگی خواهد کرد
و چه کسی از دانش و بنش و مومن برخوردار خواهد شد؟



بند ۱۲

"سپتد کات، بات ۳۸"

براستی سوشانت باور با نندگان کستی از دانش و پیش بر خود در بوده، و طیفه خود را با الهام
از منش پاک انجام خواهند داد. آنها کردارشان از راستی و پاکی سرچشمه گرفته با آموزشهای توای مزدا
هم آهنگی دارد. آنان بدستی ازین برندگان چشم و نفرت پدید آورندگان مهر و آشتی میباشند.

هات ۴۹ - بند ۱

ای مزدای پاک بهیتا، بندو بزرگترین سدره من است و همیشه با گمراه کردن مردم
احساس فرسندی میکند. ای بخشنده مهربان بسوی من آیی و مرا توانایی بخشش در پروتوشن پاک
براد دست یافته و او را از گمراهی ربانی بخشم و از پاداش نیک بر خودار کردم.

بند ۲

بدستی رشتکارهای بندو مرا گمراه ساخته است، زیرا آموزشهای او جز دروغ و
فریب و گمراه ساختن مردم و دور گمراه شدن آنان از راستی و پاکی چیز دیگری نیست. او
بجگانه نسبت به پروردگار دلبستگی و ایمانی پاک و استوارشان نمیدهد و محله ای ای مزدا
با اندیشه پاک و ضمیر روشن توانی اندیشد.

بندو BENDVA کی از دشمنان سرخست شور زشت و از بت پرستان فریجار و نسنه انگیز و بدت گریها بود.

بند ۲

«سپندکات - ات ۴۱»

پروردگارا تو برای مردم باورد اشتن این آموزش را مقرر فرموده ای که راستی و تقاری
بخش و سودمند است و دروغ بگفت با روزیان آور. بنا بر این آرزو دارم که مردم بپند خود را با
اندیشه پاک استوار سازند و آئینش خود را با دروغ دهرها خوانان دروغ کاغذ بکنند.

بند ۳

کج خردان بدانندیشان با زخم زبان خشم افزایند در شت و جبهه آئینزند و کارگران در
از کار باز دارند. این زشت کرداران گرایش به نیکوکاری نداشته و چنان بر بوع و نادستی
خو گرفته اند که دیوان دودانی انسان مارا مانند.

بند ۴

ای مزد کسی با خواست درون جانباری مین و جدان خود و منش پاک پیوستگی پذیرد
چنین کسی از عشق و ایمان بخداوند برخوردار و در پرتو راستی و درستی بزبور خرد آراسته خواهد گردید
سر انجام با دشتن همه فرزندان معنوی ای اهورا در کشور جادو دانی تو بسره خواهد برسد.

بند ۵

ای مزداد ای اشا، خواستارم که مرا از اندیشه پاک و حکمت خویش آگاه سازید
تو حقیقت را با شناسم و دینی را بجانان آشکار سازم که از سوی تو ای هستی بخش الهام گردیده است.

«سپنته گات - ات ۴۹»

بند ۷

پروردگار ایشود همه بهش پاک و دلی روشن بنجامم توجه کنند و از روی پاکی درستی
آزادگوش هوش بشوند . اسی هستی بخش نجامی که پیام مقدس ترا بر مردم می آموزم گواه باش
تا یاران و خودمانها برابر قانون ایزدی زندگی کرده برای همکاران راهسما می نیکی باشند .

بند ۸

ای هستی بخش انا ، به فرشته بهترین بخشش انا را که همانا پیوستگی در سیدن به
پروردگار است ارزانی دار و همین نجایش را در مورد سایر مردم و پیروانم دریغ مدار .
بشود که در پر تو خشترا ، نیروی منوی و مقدسین مردم خدمت کنیم و از دستداران
تو باشیم .

بند ۹

خدمتگزارنی که برای ربانی مردم ارشنا آفریده شده است باید این دستور ایزدی را
گوش هوش بشود که شخص را پستگو بچگاه اندیشه امیزش با دروغلویمان تبه کاران را
نخود راه نخواهد داد ، اسی جا مناسب حکیم کسانی که با دین ایمان و دارایی وجدانند با راستی

۱۱. در مورد یاران و خودمانها و همکاران توضیحاتی که در زیر نویس بند اول ات ۳۲ ذکر شده است ملاحظه شود .

۱۲. فرشتگی از یاران بسیار و فادار و صمیمی پیرو و برادر جا مناسب بود .

«سپندکات. ات ۳۹»

و پارسانی پویسکی داشته و سرانجام از بهترین پادشاه (یعنی بهشت) برخوردار خواهند شد.

بند ۱۰

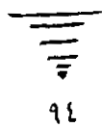
ای مرد با باد رود با آریستته منظر ایمان و فروتنی و خواستهای درون، این کوهرهای کوهها
یعنی روان نیک اندیشان و درست کرداران را برای نهمداری تومی سپارم چونکه تومی همیار بزرگ
و نیروی پایدار و جاودانی.

بند ۱۱

روان شهریاران شکر و بگرداران و رشت کهاران و سینه لان کج اندیشان بهر خواهان
دروغ بدوخ یا سرای دروغ باز خواهند کردید زیرا ضمیمه روشن آنها رو پیر کی نموده است و از
روشنایی و حق دور گشته اند.

بند ۱۲

پروردگارا، آیا پرستندگان تو در تو آشا از کدام یاری برخوردار خواهند شد؟ آیا
زشت نیز در تو و بنوعی از گلهای تو بهره مند خواهند کردید؟ ای هستی بخش ما، با سرودی
شایسته ترا تسلیش کرده آرزو دارم آنچه را که در نزد تو گرامیترین است بمن ارزانی داری.



«سنتیگات» هات ۵۰ - بند ۱

آیا روانم پس از مرگ از یاد می‌چسبم؟ کسی بر خردم از خواهد شد؟ آیا هنگام گرفتاری کسی از من دیار من و سپردنم نگهداری خواهد کرد؟ ای هستی بخش دانا، جز آشا، منظر اوستی، پاکی و دُهو من، منظر منش پاک و روشندی یکلپس یکر کربی از گرفتاریم نخواهد گشود، البته اگر بابت پاک بگفت خواسته شوند.

بند ۲

ای مزد کسی که همیشه با اندیشه اینی و سود خویش است چگونه جهان خرمی بخش مهر خواهد ورزید؟ پارسایانی که برابر بنجارستی و راستی پاکی زندگی میکنند در مکانی که از تو خور شد تو در شان و منزلت دانا نیست بسر خواهند برد!

بند ۳

ای مزد کسی که نیروی معنوی خسترا و دُهو من را بنمای او در زندگی است با آشا، خسترا حقیقت خواهد رسید همچنان یکدیگر در تو نجاشی از روی بر شرفت و آبادانی این جهان دست داشتنی که دروغ و ریاضت افزا گرفته است بگفت کند از یاری آشا بر خردم خواهد شد.

بند ۴

ای هستی بخش تیا، با سرودهای تاسیش تو و همچنین آشا، دُهو من خسترا را میسر کنم و

۱۰. منظر اوستی ۱۱. مظاهر اوستی و پاکی و یکساندیشی و روشندی، نیروی معنوی و توانایی و چیرگی بر نفس.

«سپنته گات - ات ۵۰»

خواستارم که در فرازین راه آسمان حقیقت کام نماده و به آوای حق که از دستداران تو
در کرمان برخواهد خاست گوش فرا دهیم .

بند ۵

ای هستی بخش ناماد ای جلوه گاه راپستی و پاکلی ، با مهر و محبت بسوی سرانیده سرودهای
آسمانی یا پیمبر خویش روی آرید و ماری و پستیانی خود را از او دینغ نذارید تا بتواند ما را بر دشمنانی
ابدی دوح ششختی جادو دانی زنبون کردد .

بند ۱

ای هستی بخش بزرگ ، ز رشت دوستدار آشا با آوای بلند ترا سایش کرده چنین
آرزوی دارم . پروردگارا همیشه زبانم را با نختار شیرین انیمشند بپله ساز و خردار انیم
کن . آفریدگارا در پر تو نشن پاک مرا از دستورهای اخلاقی برخوردار ساز و الهام بخش .

بند ۷

ای پاسدار آزادی و تسایش نرا ، ای هستی بخش دانا ، با نماز و نیایش بدگاه تو را چه نام
یافت ، در پر تو راپستی و نشن پاک تو خواهم بپست . پروردگارا مرا از هر سبری فرما در کارنا
یاور و پستیانم باش .



بند ۸

پنجاه گات - ات ۵۰»

ای هستی بخش دانا، با سرانیدن سرودهای موزون «گاتاها» که از شور و شوق دلم
برمیخیزد و باد سهای برافراشته بتوروی آورده خواستارم ای فردا چون دوستداری
با دفا و فردتن در پرتو راستی و پاکی دفر دگفتی آفرین دهبوسن تو نزدیکم کردم .

بند ۹

ای خداوند خرد و جلوه گاه راستی و دستی در پرتو کارهایی که از خرد و نیک نشی سرچشمه گشته با
سرودهای مقدس سالیس کنان بسوی تو باز خواهم گشت پروردگارا، با آگاهی از سزوست خویش با
شوق بسیار آرزو مندم تا از دانش و حکمت الهی برخوردارم کردم .

بند ۱۰

پروردگارا بشود کارهایی که در گذشته انجام شده و آنچه در آینده از روی خرد و اندیشه پاک انجام
خواهم داد از دیدگاه تو شایسته بوده و مورد پسند و گاهت باشد، ای خداوند جان و خرد، تاملش جور شد
و روشانی سپیده دم با داد برابر بنجار هستی نمایاگر فرو شکوه توت .

بند ۱۱

ای مزدا، خداوند خرد، من تا یکسر تو بوده تا زمانی که مراتب توان است براه راستی خواهم رفت تا یکسر
تو خواهم ماند. بشود که آفریننده جهان در پرورش پاک بترین آرزو خواست در شکر و اران پاک که مشرف و آبادانی جهان آساز
آسازده

دو خوشترگات مات ۵۱ بند

خسترا، نیروی آلهی بخششی است بسیار از جند که چون بارانی مایم از غرش زمین میاید.
 و خواسته ای درون جان با حکان راه حق را در پرتو آشا بخدمت گذاری موم برخواهد بخشید.
 ای مزدا، بهشت بانیکو کاری بدت آید. پس برای همیشه در انجام کار نیک کوشا خواهیم بود.

بند ۲

خشت کردار ای نیک خود را تو ای خداوند جان خرد و آشا، جلوه گاه راستی پاکي نایب کنیم.
 و پس تو ای آستیتی، جلوه گاه ایمان و عشق پاک، پروردگارا، مرا از نیروی مسنوی خود
 آگاه فرما و پرستندگان با وفاي خود را در پرتو منش پاک رستگاری بخش.

بند ۳

به سخنان کسانی کوشش فرماید که با کردار نیک و گفتار راست و منش پاک ای تهی بخشند
 خواستار پیوستن تو هستند، کسانی که تو خود بخشتین آموزگار و الهام بخش آنانی ای مزدا.

بند ۴

پروردگارا، مهربانان از اندازد تو کجاست و کی رحمت و بخشایش تو پرستنده با وفا
 در برخواهد گرفت؟ راستی و درستی کجا میوان بدست آورد؟ ایمان و عشق پاک بخدا را کجا میوان
 یافت؟ برترین منش را در کجا میوان جستجو کرد و نیروی شهبازی و سرور تی ای مزدا از کجا چشمه میگیرد؟

بند ۵

«دو چو شترکات. ات ۵۱»

این پرش از رهبر در تکراری است که با فروتنی در پی انداختن دانشی شرف نیکو بوده و راه پیشرفت آفرینش را برابر با بنجار هستی مردم نشان دهد، رهبری که چون داری داد کرد و توانا از روی دانش و خرد راستی آموزد و نجشایش آورد.

بند ۶

خداوند جان و خرد در پرتو شهر یاری خویش کجی که خواست او را بجای آورد و به پیشرفت آفرینش کمک کند پاداشی بهتر از نیک بخشد، ولی کسی که خواست او را انجام دهد و برای پیشرفت آبادانی جهان کوشش ننماید در روز واپسین کجفر زشتی کردار خویش گرفتار گردد.

بند ۷

ای آفریننده زمین و آب و گیاه، ای مزدا، در پرتو خرد متعین خورش رسالی جادو انداز را بمن بخش. پروردگارا به من توانائی و پایداری بخش و در پرتو منش پاک امور شش ای ای بر من آشکار ساز.

بند ۸

ای مزدا، پیام آسمانی تو را من مردم دانا آشکار خواهم ساخت تا بدانچه سزوست شومی در انتظار در دنگویان و تبه کاران است و چگونه بر او امان راستی و نیکو کاران از خوشبختی

«دو شترکات - ات ۵۱»

و سرانجام در نتیجه آموزشهای گمراه‌کننده خود نیز بسیاری دروغ یاد و نرخ اندر خواهند شد.

بند ۱۵

پاداشی را که زرتشت به معنای برادران دینی از پیش نوید داده است گرومانان خانه سرود و تسایش و بهشت است، جایی که از روز ازل منزلگاه هستی بخش دانا بوده است. این پاداش را که چون بخش الهی است و تنها در پروانه‌نامه پاک را پستی بدست توان آورد بشما نوید میدهم.

بند ۱۶

در پروانه‌های معنوی انجمن برادری و سرودهای محبت که از منش پاک الهام گرفته است گوی گشتاب بان «پاداش» دست یافت و در پروانه‌های دانشی برخوردار شد که منشی بخش دانا و پاک مقرر فرمود دانشی که ما را بسوی خوشبختی در ستکاری رسانمون گردد.

بند ۱۷

فرشته‌ها بودند که وجود منش را که عزیزترین حیر است در راه خدمت به پسر دین بھی «مزدینا» شاکر کرد. بشود که هستی بخش دانا و توانا آرزوی او را بر آورد سازد تا به آشا دسترسی پیدا کرده و بدرک حقیقت نایل آید.

بند ۱۸

«دو بخش ترکات - بیت ۵۱»

جاماسب دانا از خانواده بنو و گو گو که خواستار روشنائی حقیقت است در پرتو راستی
دانش الهی را برای خویش برگزید و در پرتو منش پاک بنیروی معنوی دست یافت . ای
هستی بخش یکتا و ای خداوند دانا بخشش ای نامبرده را با ارزانی دار تا نسبت به تو
دل بستگی پیدا کنیم .

بند ۱۹

مید یوماه از دودمان اسپندان مردی است که با آگاهی کامل از دین مزدیسنا
زندگانی خود را وقف مشیرفت آمین من کرد . او کسی است که کوشش دارد زندگی خود را
بمفهوم واقعی درک کند و آمین مزدار را با کردار و خدمت مردم بهتر به بیان بیاموزد .

بند ۲۰

ای اشاسپندان شاهجه مملک و بهنگام نجش نیک با مردم ارزانی دار .
آمین راستی دپاکی و منش نیک را با بیامورید که عشق و ایمان بخدا در نهادمان افزایش
یابد . پروردگارا ما با قلبی آکنده از مهر ترا می پرستیم و خواستاریم به شادی و خوشحالی
جاودانی مزداد دست یابیم .

۱۰- «داره بهنگام دجهلک همیشه بمفهوم اشاسپندان گرفته شده و در این بند نیز با نبودن واژه اشاسپندان مفهوم را داده است»

«دو خوشترگات - بات ۵۱»

بند ۲۱

مرد با ایمان خدا شناس پارسا و پرهنر کار است اندیشه و گفتار و کردار و وجدانش
به افزایش دگترش راستی گمک خواهد کرد. در پرتو منش پاک و چیرگی بنفس هستی بخش
دانای بهیما بخشایش انجوش را با ارزانی خواهد داشت. پروردگارا برای بخورداری از
این بخش نیک تجوروی می آورم و از انجواستارم.

بند ۲۲

کلیکه در پرتو راستی پاک و هرکاری را چون پرستش پروردگار انجام دهد از دیدگاه
هستی بخش دانای بزرگ بهترین هستی با است. کسانیکه در گذشته حال چنین بوده
هستند آمان با احترام و بنام یاد کرده و کوشش خواهم کرد با کردار نیک به تمام والای
آنها برسم.

۱. بخشایش اهورائی عبارتند از آراش اندیشه و وجدان در روشنائی ضمیر و نیش دل، نیرودی راده
لی نیازی از خواسته دنیوی بخورداری ز فرسندی و خوشی سربرد.

دیشوایشات گات هات ۵۲ کسنا - بند۱

همه خواسته های اشوزرتشت اسپنمان بهترین وجهی بر آورده شده و امهورامزدا « هستی بخش دانا » او را از بهترین نجاشین برخوردار ساخته است، بمنظری که یک زندگانی خرم و نیک و سراپا پارسائی برای همیشه باو عنایت فرموده و حتی کسانیکه با او دشمنی میوزیدند آموخته اند که باو احترام گذارند و در گفتار و کردار از زمین همی پیروی کنند .

بند۲

ایدون همه با اندیشه و گفتار و کردار بکوشید تا مزدرا خوشود سازید و هر یک انجام کار نیک را برای نیایش او برگزینید . کی گشتاسب هواخواه زرتشت و میدیوماه و فرسوشتر راه راست دینی را اختیار کردند که از سوی آهورا به سوشیانت^۱ « نجات دهنده بشر » الهام و اسکار گردیده بود .

بند۳

ای پور و صیت اردو دمان هیچد نپ از خاندان اسپنمان ای جوان بر تن دختر زرتشت مزدا اهورا ، او را که بمنش پاک و راستی و پاکی دلگلی و ایمان دار و جوان

۱. - منظور از سوشیانت در این بند خود اشوزرتشت می باشد .

«بسیوات گات- مات ۵۳»
 سرور و مبر تو بخشید پس بر با خردت نیک ثورت کن با عشق پاک و آگاه کمال رفتار نما.

بند ۴

من کسی را که بعنوان پدر سرور شش کران و خود مانیا نگارده شده است دوست خیم داشت
 و همسری می پذیرم، بشود که در بین پارسایان زنی پاکدامن و شایسته باشم و از شکوه یک
 زندگانی سراسر نیک منشی برخوردار گردم، بشود که مزد اهورا مرا همیشه از امور منشی حکمانه
 دین همی برخوردار سازد.

بند ۵

این سخنان را بنوعر و سان تازه دامادان میگویم، امید دارم اندر زم را بگوشش
 بشنود و با ضمیری روشن آرزای نیک در یابد و بخاطر بسپرد، همیشه بانیک منشی و مهر محبت
 زندگی کسبید و در راستی و پکی کوشش کنید از کله گیر منشی جویند، چه بجان از زندگانی سرش
 از خوشی و خور و شستی برخوردار خواهید شد.

بند ۶

ای مردان و زمان کوشش کنید باین حایق توجه داشته باشید، از دروغ که بمان
 زندگانی مادی و وسوسه انگیز است پرهیز کنید و از پیشرفت زیاد فریب جلوگیری نماید، پویند

۱۱، نظور پور و صیت دختر اشوزتشت می باشد.

«در پستی‌ایست گات - ات ۵۳»

خویش را با دروغ بخلید و بدانید آن خوشی و سروری که از راه نادت و بدبختی و بیچارگی می‌آید
 بت آید جز رنج و افسوس چیزی با رنج خواهد آورد و تبه کاران و دروغ پرستانی که در پی
 تباہی دست‌کردار اند، برستی زندگانی معنوی و آرامش روحی خود را از بین خواهند برد.

بند ۷

بنحایی که باین آزادی و برادری پامی بندباشید و مادام که عشق و وفاداری ریشه در
 دردهای شناخت جوان (عروس و داماد) وجود داشته باشد، چه در این جهان و چه در
 زندگانی دیگر از بهترین پاداش بهره‌مند خواهید شد، ولی هرگاه گرفتار روح پیدا همینی و
 وسوسه‌های شیطانی شده و از آئین آزادی و برادری دست بردارید، بی‌آمد آن جز
 رنج و اندوه بماند و رنج و افسوس خریدگرمی نخواهد بود.

بند ۸

براستی بگرداران تبه کاران سرانجام خوب خنده و مودور و رنجند مردم هزارگفته
 خود را سزانش خواهند کرد. بشود که در پرتو سبزی دست‌گردار و شہیاری دادگر زمان مردان
 در دودمان خویش در روستا از آرایش آسایش و صلح و آشتی برخوردار گردند، بشود که

«دیشوایش - ات ۵۳»

ریا و فریب کاری که چون زنجیر انسان را بتپاهای می کشاند از پنجه گیتی برانداخته شود.
 بشود که خداوند کتیا و بزرگت از همه بزودی بسوی ما آید.

بند ۹

کج باوران و بدیشان نسبت به نیکوکاران نفرت دارند و اشخاص محترم و با ارج را حوا
 می شمارند، آنان بنده هومی و هوس اند، و دست کرداران بدمیده حقارت می گزیند، هر چند
 بانقض خویش، ندامت در کشتش و پیکارند. کیت آن سرور پر مهر کاری که در کمال آزادی با
 تمام وجودش بابدکاران مبارزه کند، ای مزدا تنها نیروی معنوی است که می تواند در پیشانی
 دست کار را یار و یاور باشد و به آنان نیکوترین پاداش بخشد.

(۱) در دیشان، اشخاص دارنیز کار و دارستدای می باشد که از سخا و آادی فقیرند ولی از سخا و سنوی ثروتمند.

به لطف ایزد دانا

ششم همراه یکنزار و سیصد و هشت هجری شمسی کتابت گاهتایا سرواوی آسمانی

با تمام رسید

۱۳۶۰ - نخل - کترین غلامعلی عطاریان